

"بسمه تعالی"

مقاله:

شرایط حضور زنان در مسجد

مقدمه

بنا بر معیارهای ارزشی بشر، نه زن و مرد فرقی وجود ندارد. در آلت و روائت نیز سخن از برابری حقوق زن و مرد به مطلق آمده است. در مقامات معنوی نیز تفاوتی نه زن و مرد وجود ندارد؛ لذا زنان می‌توانند مانند مردان به مقامات عالی انسانی دست یابند. تقوا امری اکتسابی است و جنسیت در آن دخیل نیست و از نگاه قرآن فقط تقوا ملاک برتری انسان‌ها بر یکدیگر است. همان‌گونه که مدارج تقوا به نژاد، قوم و سرزمین جغرافیایی ربطی ندارد، به سن، ثروت و زیبایی ربط ندارد.

اسماء بنت عمیس، از نخستین زنان مهاجر در اسلام، وقتی از حبشه بازگشت، به دیار همسران پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آمد. نخستین پرسش او این بود: «آلی آئی‌ای درباره‌ی زنان نازل شده است؟» و آنان پاسخ دادند: «خیر». اسماء خدمت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) رسید و عرض کرد: «ای رسول خدا! جنس زن گرفتار خسران و زلف است؟»، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: «چرا؟»، گفت: «چون در قرآن فضیلتی همانند مردان برای زنان نیامده است». در این هنگام، آیه ۳۵ سوره‌ی احزاب نازل شد و برخی ارزش‌های معنوی زن و مرد را بیان کرد که در یک ردیف قرار دارند. در سوره‌های دیگر قرآن نه از برابری نه زن و مرد در ارزش و کمالات انسانی سخن به مطلق آمده است.^۱

بنابراین، زن در کمالات و درک مدارک عالی اخلاقی هیچ تفاوتی با مرد ندارد؛ بلکه اسلام به زن، مانند مرد، روح کامل انسانی و اراده و اختیار داده است. لذا، هر دو را در یک صف واحد قرار داده است و در یک مسیری هدایت کرده است. قرآن کریم گاه با خطاب‌های «ایها الناس» و «ایها الذین امنوا» (بدون در نظر داشتن جنسیت) هر دو را مخاطب قرار داده است و برنامه‌های تربیتی اجتماعی را برای هر دو لازم دانسته است و گاه او را به صراحت در کنار مردان قرار داده است: «وَ مَنْ

^۱ - تفسیر نمونه ج ۱۷، ص ۳۰۸.

عَمَلٌ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ»، هرکس ایمان داشته باشد و عمل صالحی انجام دهد، مرد باشد یا زن، داخل بهشت می‌شود.^۱

چنانچه صادق آل محمد (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: «أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ»^۲، بیشترین خیر و خوبی در وجود بانوان است. تردیدی نیست که سعادت و شقاوت جامعه‌ی بشری بسته به وجود زن است؛ زیرا عالی‌ترین وظیفه‌ی انسانی، که تربیت نسل آینده‌ی بشر است، نخست بپوشش و دوش زن گذاشته شده است. از این رو، زن می‌تواند مبدأ سعادت و شقاوت باشد. همان‌طور که امام راحل (رحمه الله علیه) زن را مری جامعه معرفی کرده‌اند. حال، باتوجه به این‌که رهی از جمعیت جهان را زنان تشکیل می‌دهند، این سؤال مطرح می‌شود که آلی از نظر اسلام فضایی و آثاری که برای رفت و آمد به مسجد و حضور در آن ذکر شده است فقط به مردان اختصاص دارد یا زنان نیز می‌توانند از آثار و برکات خانه‌ی خداوند بهره‌مند شوند؟ به‌دیگر سخن، آلی در زمان بزرگوار اعظم (صلی الله علیه و آله) و صدر اسلام زنان در مساجد حضور می‌یافتند یا نه؟ اگر در مسجد حضور داشته‌اند، شیوه‌ی رفتار بزرگوار (صلی الله علیه و آله) با این حرکت اجتماعی زنان چگونه بوده است؟

در پاسخ اجمالی به این سؤال بایستی گفت: اسلام زنان را از شرکت در اجتماع نهی نمی‌کند؛ بلکه در بعضی موارد شرکت آنان را واجب می‌داند، مانند شرکت در مراسم حج واجب که برای آن زن و مرد هر دو مورد خطاب خداوندند و هیچ تفاوتی میان ایشان نیست. در این راستا، حتی این سفر معنوی به اجازه‌ی شوهر هم منوط نیست. از دیگر مواردی که اسلام بر هر مسلمانی واجب دانسته است و تفاوتی قائل نشده است، تحصیل است. بنابراین، می‌توان استفاده کرد به تحصیل زنان به همان اندازه‌ی مردان تأکیدی شده است. بزرگوار اعظم (صلی الله علیه و آله) در روایتی فرمودند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ»^۳، طلب علم بر هر مسلمانی، اعم از زن و مرد، واجب است. از دیگر مواردی که اسلام بر هر مسلمانی واجب دانسته است جهاد دفاعی است. اگر افراد به قدر کفایت به جبهه نروند، دفاع از هیچ‌کس ساقط نمی‌شود و بر زنان، بی‌مردان، پنهانان و خردسالان نیز واجب می‌شود. همچنین، رسول

^۱ - سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۴۰

^۲ - وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۴.

^۳ - بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۲.

گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) با قهقهه قرعه زنانشان را با خود به سفرهای جهادی می بردند. بعضی از اصحاب نیز چرین می کردند.^۱ همچنین، زنان از تشییع جنازه منع نشده اند. در اخبار آمده است وقتی زینب، دختر بزرگ رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، وفات کرد خواهرشان، زهرا (سلام الله علیها) و زنان مسلمان آمدند و بر وی نماز خواندند.^۲ در کتاب وسائل الشریعه روایت گوناگونی در این زمینه آمده است که شرایط و چگونگی شرکت زنان را در مسائل اجتماعی تبیین می کند. از مجموع روایات به این نتیجه می رسیم: زنان اجازه دارند در مجالس عزاء، ادای حقوق مردم علی تشییع جنازه شرکت کنند؛ همچنان که حضرت فاطمه (سلام الله علیها) و زنان ائمه اطهار (علیهم السلام) در آنها شرکت می کردند.^۳

بنابراین، با توجه به کارکردهای مسجد و نقش آن در امور مردمی، حضور زن در مسجد علاوه بر این که حضور در مراسمی عبادی و معنوی و بهره مند شدن از برکات و فضائی عبادت دسته جمعی است، حضور در فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی، سرتیبری، فرهنگی و تربیتی زن است. اسلام بیای حفظ کرامت و شخصیت زن و مصون ماندن وی از آلوده شدن به گناه شرایطی برای این حضور در نظر گرفته است و زنان را به رعایت کردن آن سفارش کرده است. مقالهی حاضر این شرایط را بیان می کند و از آثار و برکات این حضور تا حد امکان سخن می گوید.

فصل اول

شرایط حضور زنان در مسجد

۱- رعایت حجاب علی پوشش اسلامی

از دیدگاه اسلام، یکی از شرایطی که زنان موظف اند هنگام حضور در مسجد رعایت کنند حجاب علی پوشش اسلامی است. براساس ادله کلی، حجاب در بیرون از منزل، هنگامی که بانوان در مجالس عمومی حضور پیدا می کنند و در معرض دید نامحرم قرار می گیرند، اثبات پذیر است. علاوه بر آن، در روایات اسلامی به مسئله پوشش اسلامی زنان در مسجد و مسیری آن نیز اشاره شده است که خود

^۱ - صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۶۵ و ۱۶۲.

^۲ - وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۳۷.

^۳ - همان، ج ۱، ص ۳۷۶.

تأکیدی است بر مسئله‌ی حجاب برای خانم‌های نمازگزاری که در مسجد حضور پیدا می‌کنند. برای روشن‌شدن ارزش و اهمیت موضوع حجاب در آلت و روائت و رعایت آن هنگام حضور در مسجد، تاحدممکن در این تحقیق این موضوع را تشریح می‌کنیم. ازاین‌رو، بعد از روشن‌شدن معنا و مفهوم آن، از نظر لغتی و اصطلاحی، به ادله‌ی عقلی و نقلی حجاب و سپس به فلسفه‌ی حجاب و بپندهای بی‌حجابی و بدحجابی و مسائلی مربوط به این موضوع می‌پردازیم.

معنا و مفهوم حجاب

واژه‌ی «حجاب» در لغت به معنای پرده و حاالی است. در کتب لغت آمده است: حجاب چیزی است که حاالی می‌شود نه دو چیز و جمع آن «حجب» است.^۱ معنای لغوی حجاب پوشش رست. آنکه به معنای پوشش استعمال شده است شایع از این جهت باشد که پرده وسیله‌ی پوشش است؛ چون قرارگرفتن در پشت پرده مانع از دین چیزی می‌شود؛ همان‌گونه که حجاب مصطلح مانع از دین مواضعی از بدن خانم‌ها می‌شود.

در قرآن کریم حدوداً هفت بار کلمه‌ی حجاب در معنای لغوی خود تکرار شده است که به معنای پرده و حاالی است؛ از جمله در این آلت:

۱- «فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ»^۲، از آن‌ها (زنان پیمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)) وقتی چیزی مطالبه کردی، از پشت پرده بخواه؛

۲- «وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ»^۳، و میان آن دو [گروه] حایلی است و بر اعراف مردانی

هستند؛

۳- «حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ»^۴، آن وقتی که خورشید در پشت پرده مخفی شد.

در سوره‌های اعراف آیه‌ی ۴۶، احزاب آیه‌ی ۵۳، فصلت آیه‌ی ۵ و اسراء آیه‌ی ۴۵ رهن معنای

لغوی کلمه‌ی پرده استعمال شده است. در دستوری که امیرالمؤمنان (علیه‌السلام) به مالک اشتر نوشته است

^۱ - مجمع البحرین، لسان العرب، کتاب العین.

^۲ - سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۵۳

^۳ - سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۴۶

^۴ - سوره‌ی ص، آیه‌ی ۳۲

می‌فرماید: «فَلَا تُطَوِّلَنَّ احْتِجَابَكَ عَنْ رَعِيَّتِكَ...»^۱، در مطن مردم باش، کمتر خود را در اندرون خانه از مردم پنهان کن، حاجب و دربان تو را از مردم جدا نکند؛ بلکه خودت را در معرض ملاقات مردم قرار ده، حاجب یعنی تو و مردم نبای وجود داشته باشد.

استفاده از کلمه‌ی حجاب در مورد پوشش زن نسبتاً اصطلاحی جدیدی است و در عصر کنونی در مورد پوشش خانم‌ها به‌کار می‌رود. در سخنان فقها، به‌ویژه فقهای قدیم، برای پوشش زن از کلمه‌ی «ستر» استفاده می‌شده است. به‌هرحال، واژه‌ی حجاب امروزه به‌معنای پوشش زن است.

عفت

یکی از واژه‌هایی که با مسئله‌ی حجاب مرتبط است کلمه‌ی عفت است. عفت به‌بودن زن از صفات زنان مؤمن است. معنای لغوی این کلمه حفظ کردن و دورداشتن خود از محرمات و گناه است.^۲ در قرآن کریم نیز این کلمه به همین معنای لغوی استعمال شده است: «وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ»^۳، زنان سالخورده اگر خودشان را بیوشانند و از دین نامحرم حفظ کنند برایشان بهتر است. زیرا از نظر اسلام هر قدر زن جانب عفاف و حجاب را رعایت کند، پسندیده‌تر و به تقوی و پاکی نزدیک‌تر است.

ادله‌ی وجوب حجاب

الف: حجاب در آلت

در آلتی که از آن‌ها وجوب حجاب و پوشش اسلامی استفاده می‌شود، کلمه‌ی «حجاب» به‌کار نرفته است. آلت فقط حدود حجاب و پوشش خانم‌ها را مطن کرده‌اند. آلتی که در آن کلمه‌ی «حجاب» به‌کار رفته است، به زنان پطمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مربوط است؛ ولی مانعی ندارد که موضوع آن عام باشد و حکم حجاب برای همه‌ی زنان از آلت ثابت شود. گرچه در مورد زنان پطمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تأکید بیشتری وجود دارد؛ زیرا آن‌ها امّ المؤمنین هستند و لازم است در حفظ حجاب بیشتر احتیاط کنند. آلت

^۱ - نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳.

^۲ - مجمع البحرین، لسان العرب، کتاب الغنی، ماده عفت.

^۳ - سوره‌ی نور، آیه‌ی ۶۰.

مربوط به مسئله ی حجاب در دو سوره ی قرآن مطرح شده است: یکی در سوره ی نور و دیگری در سوره ی احزاب.

۱- آیات سوره ی نور

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ غُضُؤٌ مِّنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ * وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ غُضُضٌ مِّنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُخْذِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُجُوبِهِنَّ وَ لَا يُخْذِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِ آبَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّبِيعِينَ غَيْرِ أُولَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الْوَلَدِ الَّذِي لَمْ يَظْهَرْ عَلَى عَوْرَتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لَعَلَّهِنَّ لَعَلَّ مَا يَخْفَىٰ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۱ به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گه‌اند و فروج خود را حفظ کنند؛ این برای آن‌ها پاکیزه‌تر است. خداوند از آنچه انجام می‌دهی آگاه است و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گه‌اند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان بی پدرانشان بی پدر شوهرانشان بی پسرانشان بی پسران همسرانشان بی برادرانشان بی پسران برادرانشان بی پسران خواهرانشان بی زنان هم‌کیشانشان بی بردگانشان (کره‌انشان) بی افراد سفی که تما‌لی به زن ندارند بی کودکاری که از امور جنسری مربوط به زنان آگاه نیستند. آن‌ها هنگام راه‌رفتن پاهای خود را به زمی نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد) و همگی به سوی خدا بازگردی ای مؤمنان تا رستگار شوی.

شان نزول

در شان نزول نخستین آی، از امام باقر (علیه السلام) در کتاب کافی چری نقل شده است: جواری از انصار در مسری خود با زری روبه‌رو شد - در آن دوران زنان مقنعه‌ی خود را پشت گوش‌ها قرار می‌دادند و طبعاً گردن و مقداری از سینه‌ی آن‌ها نمایان می‌شد - چهره‌ی زن نظر جوان را جلب کرد و جوان چشم

^۱ - سوره ی نور، آیه ی ۳۰ و ۳۱

خود را به او دوخت ، هنگامی که زن گذشت جوان همچنان با چشمان خود او را بدرقه می کرد، درحالی که راه خود را ادامه می داد، تا آنکه وارد کوچه ی تنگی شد و باز همچنان به پشت سر نگاه می کرد، ناگهان صورتش به دیوار خورد و بخی استخوان طی قطعه شیشه ای که در دیوار بود صورتش را شکافت، هنگامی که زن گذشت جوان به خود آمد و دبی خون از صورتش جاری است و به لباس و سرخه اش ریخته است، (سخت ناراحت شد) با خود گفت به خدا سوگند خدمت پیمبر (صلی الله علیه و آله) می روم و این ماجرا را بازگو می کنم، هنگامی که چشم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به او افتاد فرمود: چه شده است؟ و جوان ماجرا را نقل کرد، در این هنگام جبرئیل، بپیک وحی خدا، نازل شد و آی را خواند.^۱

مبارزه با چشم چرایی و ترک حجاب

این سوره در حقیقت سوره ی عفت، پاکدامنی و پاکسازی از انحرافات جنسی است. آلت مورد بحث احکام نگاه کردن، چشم چرایی و حجاب را بیان می کند و زنان را از بی عفتی و ترک حجاب منع می کند. استفاده ی وجوب حجاب از این آلت روشن است؛ همان گونه که فقهای عظام حکم وجوب حجاب را فهمیده اند و با استفاده از این آلت به وجوب حجاب و پوشش فتوا داده اند.

خداوند نخست در این آلت مؤمنان را از چشم چرایی منع کرده است و می فرماید: «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِیْنَ عَیُّضُوا مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَ یَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ»، به مؤمنان بگو چشم های خود را (از نگاه کردن به زنان نامحرم و آنچه نظر افکندن بر آن حرام است) فرو گهیند و دامن خود را حفظ کنند.

عَیُّضُوا از ماده ی غَض (بر وزن خز) و در اصل به معنای کم کردن و نقصان است و در بسطی از موارد برای پایین آوردن صدا علی کم کردن نگاه استفاده می شود.^۲ قابل توجه آنکه قرآن نمی گوید از چه چیزی چشمان خود را فرو گهیند (و به اصطلاح متعلق آن فعل را حذف کرده است) تا دلائل بی عموم باشد؛ یعنی از مشاهده ی هر چیزی چشم بگیرند که نگاه به آن حرام است. اما با توجه به سرتیق آلت، به خصوص آبی بعد که درباره ی مسوئله ی حجاب سخن می گوید، به خوبی روشن می شود که منظور نگاه نکردن به زنان نامحرم است. شأن نزولی را که در بالا آوردیم یعنی این مطلب را تأیید می کند.

^۱ - تفسیر نمونه، ج ۱۴ و وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۹.

^۲ - مجمع البحرین / ج ۴ / ۲۱۸

دومین دستور در آیه فوق مسرطه ی حفظ فروج است. این کلمه در زبان عربی به معنای عورت است که در فارسی، برای حفظ عفت در کلام، کلمه ی «دامن» را به کار می‌برند. بنابراین، منظور از حفظ فرج در روایت پوشاندن آن از نگاه دیگران است. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم: «كُلُّ شَيْءٍ فِي الْقُرْآنِ مِنْ حِفْظِ الْفَرْجِ فَهُوَ مِنَ الزِّنَا إِلَّا هَذِهِ الْآيَةُ فَإِنَّهَا مِنَ النَّظَرِ»، هر آیه‌ای که در قرآن از حفظ فروج سخن می‌گوید، منظور حفظ کردن از زنا است؛ جز این آیه که منظور از آن حفظ کردن از نگاه دیگران است.

گاه این سؤال پیش می‌آید که چرا اسلام کاری را نهی می‌کند که با شهوت و خواست دل بسطد هماهنگ است؛ ولی در پالخن آیه آمده است: ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ، این برای آن‌ها بهتر و پاکیزه‌تر است. سپس، به کسانی که نگاه هوس‌آلود و آگاهانه به زنان نامحرم می‌کنند و گاه آن را غی‌اخطری قلمداد می‌کنند اخطار می‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَصْنَعُونَ»، خداوند از آنچه انجام می‌دهید مسلماً آگاه است. در آیه بعد، خداوند به شرح وظایف زنان در این زمینه می‌پردازد. نخست، به وظایفی که مشابه مردان دارند اشاره می‌کند: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ»، و به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را فرو گیرند (و از نگاه کردن به مردان نامحرم خودداری کنند) و دامن خود را حفظ نمایند. به این ترتیب، چشم‌چرایی همان‌طور که بر مردان حرام است، بر زنان نیز حرام است و پوشاندن عورت از نگاه دیگران همان‌طور که بر مردان واجب است، بر زنان نیز واجب است.

زینت پنهان و آشکار

در ادامه ی همان آیه، خداوند به مسرطه ی حجاب اشاره می‌کند که از ویژگی زنان است: «وَلَا يَكْذِبْنَ زِينَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»، خانم‌ها زینت خود را آشکار سازند، جز آن مقدار که طبعاً ظاهر است. در اینجا، منظور از زینتی که زنان بای بی‌پوشاندن و زینت آشکاری که در اظهار آن مجازند چیست؟ در این باره نیز مفسران سخن بسطد است.^۱ اما، به گفته ی تفسیری نمونه حق این است که آیه را بدون پیش‌داوری و طبق ظاهر آن تفسیر کنیم. بنابراین، زنان حق ندارند زینت‌هایی را آشکار کنند که معمولاً

^۱ - فقه القرآن، ج ۲، ص ۱۲۷ و وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۶۶.

^۲ - تفسیر نمونه، جلد ۱۴.

پنهان است؛ هر چند اندامشان نماظن نشود. به این ترتیب، مجاز نیستند لباس‌های زنی مخصوصی را که زنی لباس عادی بی‌چادر می‌پوشند آشکار کنند.

در روایات متعددی که از ائمه‌ی اهل بیت (علیهم‌السلام) نقل شده است زنی همین معنی دیده می‌شود. آن‌ها زنی باطن را به قلاده (گردنبند)، دملج (بازوبند) و خلخال (زنجی که زنان عرب به میچ پاها می‌کردند) تفسیر کرده‌اند. چنان‌که در روایت ابی‌الجارود از امام باقر (علیه‌السلام) نقل شده است: «وَلَا تُدْرِي زَيْنَتُهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا فَهِيَ الثَّيِّبُ وَالْكُحْلُ وَالْخَاتَمُ وَخِصَابُ الْكَفِّ وَالسَّوَارُ وَالزَّيْنَةُ ثَلَاثُ زَيْنَةٍ لِلنَّاسِ وَزَيْنَةُ لِلْمَحْرَمِ وَزَيْنَةُ لِلزَّوْجِ فَأَمَّا زَيْنَةُ الرَّأْسِ فَقَدْ ذَكَرْنَا وَأَمَّا زَيْنَةُ الْمَحْرَمِ الْقِلَادَةُ فَمَا فَوْقَهَا وَالدُّمْلُجُ وَمَا دُونَهُ وَالْخَلْخَالُ وَمَا أَسْفَلَ مِنْهُ وَأَمَّا زَيْنَةُ الزَّوْجِ فَالْجَسَدُ كُلُّهُ».^۱ چون در روایات متعدد دیگری زنی ظاهر را انگشتر، سرمه و مانند آن تفسیر کرده‌اند؛ می‌فهمیم منظور از زنی باطن خود زنی‌هایی است که نهفته و پوشیده است.

مقنعه بی‌روسری

دومین حکم در آی این است که: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ»، خانم‌ها بای خمارهای خود را بر سرخه‌های خود بپوشانند. خمر جمع خمار (پوشن حجاب) و دراصل به معنای پوشش است؛ ولی معمولاً به چینی گفته می‌شود که زنان با آن سر خود را می‌پوشانند (روسری).^۲ جیب جمع جیب (بر وزن غیب) و به معنای تپه‌ی پنهان است که از آن به گریبان تعبیر می‌شود و گاه به قسمت بالای سرخه، به تناسب مجاورت با آن، زنی اطلاق می‌گردد.^۳

از این جمله استفاده می‌شود که زنان، قبل از نزول آبی، دامنه‌ی روسری خود را به شانه‌ها بی پشت سر می‌انداختند، طوری که گردن و کمی از سرخه‌ی آن‌ها نماظن می‌شد. قرآن دستور می‌دهد روسری خود را بر گریبان خود بیندازید تا هم گردن و هم آن قسمت از سرخه که بی‌یون است مستور شود (از شُلَن نزول آبی که قبلاً آوردیم زنی این معنی به‌خوبی استفاده می‌شود).

^۱ - بحار، ج ۱۰۱، ص ۳۳.

^۲ - مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۹۲.

^۳ - همان، ج ۲، ص ۲۸.

استثناءهای حجاب

در سومین حکم مواردی شرح داده می‌شود که زنان می‌توانند در آنجا حجاب خود را برگیند و زینت پنهان خود را آشکار کنند. آن‌ها نباید زینت خود را آشکار کنند مگر در دوازده مورد که شامل افراد محرم، زنان، بردگان، کودکان و دیوانگان است.

کیفیت راه رفتن

خداوند چهارمین حکم را چنین نطق می‌کند: «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ»؛ آن‌ها به هنگام راه رفتن پاهای خود را بزمن نزنند که زینت پنهانی‌شان آشکار شود و صدای خلخالی که بر پا دارند به گوش رسد. خانم‌ها باید در رعایت عفت و دوری از اموری سختگیر باشند که آتش شهوت را در دل مردان شعله‌ور می‌کند و ممکن است به انحراف از جاده‌ی عفت منتهی شود.

سرانجام، خداوند با دعوت عمومی همه‌ی مؤمنان، مرد و زن، به توبه و بازگشت به‌سوی خدا آی را پالین می‌دهد: همگی به‌سوی خدا بازگردی ای مؤمنان تا رستگار شوی. اگر در گذشته کارهای خلافی در این زمینه انجام داده‌ای، اکنون که حقایق احکام اسلام برای شما تبیین شد از خطاهای خود توبه کن و خود را به او بسپاری!

۲- آیات سوره‌ی احزاب

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا * لِّئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا»؛ ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمن بگو جلباب‌های (روسی‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند؛ این کار برای آنکه (از کثبان و آلودگان) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است و (اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آن‌ها سر زده) خداوند همواره غفور و رحیم است. اگر منافقان و آن‌ها که در دل‌هایشان بیماری است و (همچنین) آن‌ها که اخبار دروغ و شایعات

^۱ - سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۵۹ و ۶۰

بی‌اساس در مدینه پخش می‌کنند دست از کار خود بردارند، تو را بر ضد آنان می‌شورایم، سپس جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند.

شأن نزول

در تفسیری علی‌بن‌ابراهیم در شأن نزول آیهی نخست چنین آمده است: «آن اطم زنان مسلمان به مسجد می‌رفتند و پشت سر پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نماز می‌گذاشتند. هنگام شب موقعی که برای نماز مغرب و عشا می‌رفتند، بعضی از جوانان هرزه و اوباش بر سر راه آنها می‌نشستند و با مزاح و سخنان ناروا آنها را آزار می‌دادند و مزاحم آنان می‌شدند. آیهی فوق نازل شد و به آنها دستور داد حجاب خود را به‌طور کامل رعایت کنند تا به‌خوبی شناخته نشوند و کسی بهانه‌ی مزاحمت پیدا نکند.^۱

اخطار شدیدی به مزاحمان و شایعه‌پراکنان

آیات فوق دو بخش دارد: در بخش نخست، مسئله‌ی حجاب مورد بحث است؛ لذا خداوند به زنان باایمان دستور می‌دهد هرگونه بهانه و مستمسکی را از دست مفسده‌جویان بکشند. در بخش دوم، با شدیدی‌تری تهدیدی، که در آیت قرآن کم‌نظیری است، به منافقان و مزاحمان نوامیس مردم و شایعه‌پراکنان حمله می‌کند و موضع‌گیری پیغمبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را در مقابل آنها مشخص می‌کند. خداوند در قسمت اول می‌گوید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلْأَزْوَاجِکَ وَبَنَاتِکَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِینَ يُدْنِیْنَ عَلَیْھِنَّ مِنْ جَلَابِیْھِنَّ ذَلِکَ اَدْنٰی اَنْ یُّعْرِفْنَ فَلَا یُؤْذِیْنَ»، ای پیغمبر! به همسران و دختران و زنان مؤمن بگو روسری‌های بلند خود را بر خویش فرو افکنند تا شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند.

جلباب

مفسران و ارباب لغت چند معنی برای جلباب ذکر کرده‌اند؛^۲ اما قدر مشترک همه‌ی آنها این است که بدن را بآن بپوشانند (درضمن، بای توچه داشت جلباب هم به کسر و هم فتح جمع قرائت می‌شود).

^۱ - تفسیر نمونه، ج ۱۷ و تفسیر علی بن ابراهیم، ج ۴، ص ۳۰۷.

^۲ - مجمع البحرین، مفردات راغب، تاج العروس.

بیشتر به نظر می‌رسد که منظور پوششی است که از روسری بزرگ‌تر و از چادر کوچک‌تر است؛ چنان‌که نویسنده‌ی لسان العرب روی آن تکیه کرده است.^۱

منظور از عری ای است که زنان جلباب را به بدن خویش نزدیک کنند تا درست آن‌ها را محفوظ کند؛ نه اینکه آن را آزاد بگذارند طوری‌که گاه و بیگاه کنار رود و بدن آشکار گردد و به تعبی ساده‌ی خودمان لباسشان را جمع‌وجور کنند. بعضی از این جمله استفاده کرده‌اند که صورت را عری بای پوشانند؛ ولی این سخن هیچ دلالتی بر این معنی ندارد و کمتر کسی از مفسران پوشاندن صورت را در مفهوم آبی داخل دانسته است. به‌هرحال، از این آبی استفاده می‌شود که حکم حجاب و پوشش برای زنان آزاد قبل از این زمان نازل شده بوده است؛ ولی بعضی از روی ساده‌اندیشی به‌خوبی مراقب آن نبوده‌اند و آبی فوق طئیک می‌کند که در رعایت آن دقیق باشند. از آنجاکه نزول این حکم جمعی از زنان با ایمان را نگران گذشته‌شان کرد، خداوند در پائین آبی می‌افزاید: «وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»، خداوند همواره غفور و رحیم است.

در ادامه‌ی دستوری که به پوشش زنان با ایمان داده شد، به مسئله‌ی دیگری پرداخته می‌شود؛ عری فعالیت‌های مودلانه‌ی اراذل و اوباش. «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا»، اگر منافقان و کسانی که در قلبشان بیماری است و عری کسانی که اخبار دروغ در مدینه پخش می‌کنند دست از کارشان برند، ما تو را بر ضد آنان می‌شورایم و بر آن‌ها مسلط خواهیم ساخت، سپس جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند! «الْمُرْجِفُونَ» از ماده‌ی «ارجاف» و به‌معنای اشاعه‌ی باطل برای غمگین کردن دیگران است و اصل ارجاف به معنی اضطراب و تزلزل است.^۲ از آنجاکه شایعات باطل اضطراب عمومی ایجاد می‌کند، این واژه به آن اطلاق شده است. «نُغْرِيَنَّكَ» از ماده‌ی «اغراء» و به‌معنای دعوت به انجام کار و تله‌گرفتن چیزی توأم با تشویق و تحریض است.

از لحن آبی چنین استفاده می‌شود که سه گروه در مدینه مشغول خرابکاری بودند و هر کدام به نحوی کارهای شوم خود را انجام می‌دادند. این کارها به‌صورت برنامه و جرطق در آمده بود و جنبه‌ی

^۱ - لسان العرب، ج ۱، ص ۲۷۲.

^۲ - مجمع البحرین، ج ۵، ص ۶۳.

شخصی و فردی نداشت. نخست، منافقان بودند که با توطئه‌های ضداسلامی برای براندازی اسلام می‌کوشیدند. دوم، اراذل و اوباش بودند که قرآن از آن‌ها به چهاردلان تعبیر کرده است (الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ). همان‌گونه که این تعبیر در آیه ۳۲ همی سوره احزاب در مورد افراد هوسباز و شهوتران ین آمده است. گروه سوم کسانی بودند که با پخش شایعات در مدینه، به خصوص هنگامی که پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ارتش اسلام در غزوات بودند، روحی بازماندگان را تضعیف می‌کردند و خبرهای دروغ درباره‌ی شکست پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و مؤمنان می‌دادند. به گفته‌ی بعضی از مفسران این گروه همان یهودها بودند. به این ترتیب، قرآن هر سه گروه را به شدت تهدید کرده است.

«ثقفوا» از ماده‌ی «ثقف و ثقافت» و به معنای دست‌یافتن و مسلط‌شدن بر چیزی با دقت و مهارت است.^۱ به همین دلیل به علم و فرهنگ ثقافت می‌گویند. ثقفوا به این نکته اشاره دارد که بعد از این حمله‌ی عمومی آن سه گروه هیچ‌جا در امان نخواهند بود و آن‌ها را بادقت جستجو و یها می‌کنند و به دلو عدم می‌فرستند.

سپس، خداوند در آخری آی می‌افزاید این دستوری تازه یست. این سنتی الهی و همیشگی بوده است که در اقوام یثری وجود داشته است و هرگاه گروه‌های خرابکار یثری و توطئه را از حد بگذرانند، فرمان حمله‌ی عمومی به آن‌ها صادر می‌شود (سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ). چون این حکم سنتی الهی بوده است هرگز دگرگون نخواهد شد؛ زیرا برای سنت خداوند تبدلی و تغییری وجود ندارد (لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا).

نتیجه این‌که شدت لحن آی و ذکر نام متجاوزان به حرم عفاف و حجاب در کنار منافقان و شایعه‌پراکنان، جدی‌بودن مسئله‌ی حجاب را نشان می‌دهد. بنابراین، آی هرگونه ساده‌پنداشتن و بی‌اهمیت جلوه‌دادن پوشش اسلامی و گسترش فرهنگ بدحجابی و بی‌حجابی را از دست بهانه‌جویان می‌گیرد.

^۱ - کتاب العین، ج ۵، ص ۱۳۹.

^۲ - سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۸

^۳ - همان، آیه‌ی ۶۲

۳- آیات مرتبط دیگر به مسئله‌ی حجاب

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَاطِرِينَ إِنَاءُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا»^۱، ای کسانی که ایمان آورده‌ای! در بهت بپلمبر داخل نشوئ، مگر به شما اجازه برای صرف غذا داده شود (مشروط بر اینکه قبل از موعد بپلمبر) و در انتظار وقت غذا نشوئ؛ اما هنگامی که دعوت شدی داخل شوئ و وقتی غذا خوردی پراکنده شوئ و (بعد از صرف غذا) به بحث و صحبت نشوئ. این عمل بپلمبر را ناراحت می‌کند؛ ولی او از شما شرم می‌کند. اما خداوند از (نظن) حق شرم ندارد و هنگامی که چیزی از وسائل زندگی (عاریت) از آن‌ها (همسران بپلمبر) می‌خواهئ، از پشت پرده بخواهئ، این کار دل‌های شما و آن‌ها را پاک‌تر می‌دارد و شما حق ندارئ رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را آزار دهئ و نه هرگز همسران او را بعد از او به همسری خود درآورئ که این کار نزد خدا عظیم است.

مکلف اعراب و بسطی مردم دیگر معمول بوده است و البته هنوز هست که هنگام نظف به بعضی وسائل زندگی، به صورت موقت آن را از همسای به عاریت بگئند. خانه‌ی بپلمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) زن از این قانون مستثنا نبوده است و افراد گاه و بگاه می‌آمدند و چیزی از همسران بپلمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به عاریت می‌خواستند. روشن است قرار گرفتن همسران بپلمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در معرض دئ مردم (هر چند با حجاب اسلامی باشئ) کار خوبی نبوده است؛ لذا دستور داده شد از پشت پرده بی پشت در وسائل را به عاریت بگئند.

^۱ - سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۵۳

اسلام و مسئله‌ی پرده‌نشینی زنان

نکته‌ای که باید در این آیه به آن توجه شود این است که منظور از حجاب پوشش زنان نیست؛ بلکه حکمی اضافه بر آن است که مخصوص همسران نظمیر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بوده است و آن اینکه مردم موظف بودند، به دلیل موقعیت خاص همسران نظمیر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، برای دریافت هر چیزی از آنان از پشت پرده اقدام کنند و آن‌ها حتی با پوشش اسلامی هم در برابر مردم ظاهر نمی‌شدند. البته این حکم درباره‌ی زنان دیگر وارد نیست و برای آن‌ها فقط رعایت پوشش کافی است. شاهد این سخن آنکه کلمه‌ی حجاب هر چند در استعمال‌های روزمره به معنای پوشش زن است؛ ولی در لغت و تعبیات فقه‌ای ما چنین مفهومی ندارد. در قرآن مجید، این کلمه همه‌جا به معنای پرده طی حائل به کار رفته است؛ مانند آیه‌ی ۴۵ سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی ص و آیه‌ی ۵۱ سوره‌ی شوری.

از قدیم تاکنون رکن فقها در مورد پوشش زنان معمولاً کلمه‌ی ستر را به کار برده‌اند و در روایات اسلامی رکن همین تعبی طی شی‌ی آن وارد شده است. به کار بردن کلمه‌ی حجاب برای پوشش زنان اصطلاحی است که بیشتر در عصر ما پیدا شده است و اگر هم در تاریخ و روایت باشد بسط کم است. اسلام به زنان مسلمان دستور پرده‌نشینی نداده است و تعبی پردگلی و تعبی‌هایی شی‌ی به این در مورد زنان جنبه‌ی اسلامی ندارد. آنچه درباره‌ی زن مسلمان لازم است، داشتن همان پوشش اسلامی است؛ ولی به زنان نظمیر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، به دلیل وجود دشمنان فراوان و عیب‌جوئی مغرض، این دستور خاص داده شده است. لذا، قرآن بعد از این دستور دلیل آن را چنین نطن می‌فرماید: «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ»، این برای پاک‌ی دل‌های شما و آنان بهتر است. در حقیقت، آیه‌ی فوق کمال عفت را در مورد زنان نظمیر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نطن می‌کند. آنان به دلیل نسبت‌شان با نظمیر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) جایگاه‌ی ویژه دارند؛ لذا دینی مردم و قضاوت‌شان در برابر آن‌ها به‌گونه‌ای دیگر خواهد بود. به همین دلیل، در آیت ۳۲ تا ۳۴ سوره‌ی احزاب، خداوند به صورت مستقیم زنان آن حضرت را خطاب می‌کنند و حساب آن‌ها را از دیگران جدا می‌کنند.

دستورهای ویژه به همسران پیامبر

در آیت قبل همین سوره، از موقعیت و مسئولیت سنگین همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) سخن گفته شده است؛ در ادامه نیز این موضوع همچنان ادامه می‌یابد و شش دستور مهم به همسران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) داده می‌شود. خداوند نخست در مقدمه‌ای کوتاه می‌فرماید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ...»، ای همسران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شما همچون یکی از زنان عادی نیستید اگر تقوا پیشه کنید... .

همسران پیامبر به دلیل انتسابتان به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از یک سو و قرارگرفتن در کانون وحی و شریعت قرآن و تعلیمات اسلام از سوی دیگر موقعیتی خاص دارند و می‌توانند سرمشوقی برای همه‌ی زنان باشند، چه در مسیری تقوا و چه در مسیری گناه.

به دنبال این مقدمه که طرف را برای پذیرش مسئولیت‌ها آماده می‌کند و به آن‌ها شخصیت می‌دهد، نخستین دستور را در زمینه‌ی عفت صادر می‌کند و به‌خصوص به سراغ نکته‌ای مهم می‌رود تا مسائل دیگر در این رابطه خودبه‌خود روشن گردد. ایشان می‌فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ»، به‌گونه‌ای هوس‌انگیزی سخن نگویند که چهاردلان در شما طمع کنند.

در پانزدهم آیه نیز دومین دستور را این‌گونه شرح می‌دهد: «وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا»، شما بای به‌صورت شایسته‌ای که مورد رضای خدا، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و توأم با حق و عدالت باشد سخن بگویند. در حقیقت، جمله‌ی «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ» به کیفیت سخن‌گفتن اشاره دارد و جمله‌ی «قُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا» به محتوای سخن. جمله‌ی اخیری می‌تواند توضیحی برای جمله‌ی نخست باشد. مبدا کسری تصور کند رفتار زنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) باید با مردان به‌گانه مودظنه طی دور از ادب باشد؛ بلکه بای رفتار شایسته و مؤدبانه داشته باشند و در عین حال بدون هیچ‌گونه جنبه‌های تحریک آمیزی باشد.

سپس، سومین دستور که در زمینه‌ی رعایت عفت است صادر می‌شود: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»، شما در خانه‌های خود بمانید و همچون جاهلیت نخستین در مظهر جمعیت ظاهر نشوید و اندام و وسائل زینت خود را در معرض تماشای دیگران قرار ندهید.

«قرن» از ماده‌ی وقار و به معنای سنگینی است^۱ و در اینجا کنای از قرار گرفتن در خانه‌هاست. بعضی رئی احتمال داده‌اند از ماده‌ی قرار بوده باشد که از نظر نحوه تفاوت چندای با معری اول نخواهد داشت. «تبرج» به معنای آشکارشدن در برابر مردم است و در این آی آشکارکردن زینت و خودنمایی و جلوه‌گری زنان در انتظار نگاه است.^۲ این کلمه از ماده‌ی برج گرفته شده است که در برابر دین‌گان همه ظاهر است.

اما منظور از جاهلیت اولی چیست؟ ظاهرها همان جاهلیتی است که با عصر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مقارن بوده است. در تاریخ آمده است که در آن موقع زنان حجاب درستی نداشتند و بهای ترتیب قرآن همسران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را از این گونه اعمال باز می‌دارد.^۳ بی‌شک، این حکمی عام است و اصرار آلت بر زنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیای لکن بیشتر بوده است. درست مثل این که به شخصی دانشمند بگوئیم تو که دانشمندی دروغ رگو؛ اما به این مفهوم نیست که دروغ گفتن برای دیگران مجاز است و منظور این است که مرد عالم بای به صورت جدی تر از این کار پرهیز کند.^۴

در نهایت، دستور چهارم، پنجم و ششم را به این صورت نقل می‌فرماید: «وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»، شما زنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نماز را بر پا دارید، زکات را ادا کنید و خدا و رسولش را اطاعت نمایید.

مقدار پوشش واجب

از مجموع آیه‌ی که در مورد حجاب است هیچ‌گاه پرده‌نشینی و پشت پرده‌بودن زن استفاده نمی‌شود. حجاب واجب همان پوشیدن روسری و بچانیدن زینت‌هایی مانند گردنبند، گوشواره و دستبند است. بسط دادن دستورها ی که به زنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) داده شده است به زنان دیگر دلی ندارد. لذا، کسانی اسلام را به پرده‌نشینی زنان متهم می‌کنند که بی اطلاع اند بی مقاصد شوم استعماری دارند و برای بد جلوه دادن شریعت اسلام قلم به دستان بی تقوا را به خدمت گرفته‌اند.

^۱ - لسان العرب، ج ۵، ص ۲۹۰.

^۲ - همان، ج ۲، ص ۲۱۲.

^۳ - تفسیر نمونه ذیل آیه‌ی مورد بحث.

^۴ - همان.

ب: حجاب در روائت

مسئله‌ی حجاب و پوشش زنان در روائت دامنه‌ی گسترده‌ای دارد. این روائت به چند دسته تقسیم می‌شود:

یک دسته از روائت از ارزش و لزوم حجاب و پاک‌زیستی سخن می‌گوید، دسته‌ی دیگر چشم‌چرایی را نهی می‌کند، برخی دیگر از روائت عفت‌داشتن و حجاب را ستایش می‌کنند و برخی دیگر از کنترل رفتار زن و مرد سخن می‌گویند. در ادامه، به نمونه‌ای از این روائت اشاره می‌کنیم:

۱ - نکوهش چشم‌چرایی

در روایات، چشم‌چرایی و نگاه‌های هوس‌آلود به ناموس مردم بسیار نکوهش شده است و بسط‌های از روائت تعلیم‌های بد و اثرات زلیخار این عمل را بیان کرده‌اند. در حدیثی از پیغمبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) چنین می‌خوانیم: «النَّظَرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنَ اللَّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ إِحْيَانًا يَجِدُ حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ»^۱، نگاه‌کردن حرام شی‌ زهرآلودی از شی‌های شیطان است؛ پس کسی که از خوف خدا ترک کند، خداوند ایحاری بپا و عطا می‌کند که شی‌یی آن در قلبش ایجاد می‌شود.

همچنین، در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) آمده است: «النَّظَرُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ وَ كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْزَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً»^۲، نگاه‌کردن حرام شی‌ زهرآلود شیطان است؛ چه‌بسا بعضی نگاه‌ها پشیماری طولانی به‌دنبال دارد.

در روایتی دیگر از پیغمبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) چنین نقل شده است: «النَّظَرُ إِلَى مَحَاسِنِ النِّسَاءِ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهُ أَذَاقَهُ اللَّهُ طَعْمَ عِبَادَةِ تَسْرُهُ»^۳، نگاه‌کردن به زیبایی‌های زنان از شی‌های شیطان است؛ اگر کسی ترک کند خداوند شی‌یی عبادتی که او را خوشحال کند به او می‌چشاند.

همان‌گونه‌که مشاهده کردید، در این احادیث نگاه‌کردن حرام به زهرکشنده تشبیه شده است و حتی می‌توان گفت آثار زلیخار نگاه‌های حرام بدتر و زنده‌تر از زهر است؛ زیرا زهر بدن انسان را نابود می‌کند و رابطه‌ی انسان را با ربی و مخلوق خدا قطع می‌کند؛ اما نگاه‌های حرام معنویت انسان را

^۱ - بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۸.

^۲ - کافی، ج ۵، ص ۵۵۹.

^۳ - مستدرک، ج ۱۴، ص ۲۷۰.

متلاشی می‌کند و رابطه‌ی انسان را با خالق قطع می‌کند. بدی جهت، شریعی احيان و لذت عبادت از او گرفته می‌شود.

علی (علیه السلام) بیهی از نگاه‌های حرام را شکرگذاری از نعمت چشم معرفی می‌کند و می‌فرماید:

«لَيْسَ فِي الْبَدَنِ شَيْءٌ أَقَلَّ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ فَلَا تُعْطَوْهَا سُؤْلَهَا فَتَشْغَلَكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ قَالَ (عليه السلام) لَكُمْ أَوَّلُ نَظَرَةٍ إِلَى الْمَرْأَةِ فَلَا تُتْبِعُوهَا بِنَظَرَةٍ أُخْرَى وَ احْذَرُوا الْفِتْنَةَ»^۱، در وجود انسان چیزی کمتر از شکر چشم نیست؛ پس نگاهت را رها مساز تا تو را از ذکر خدا باز دارد و در ادامه فرمود اولین نگاه به زن نامحرم را تکرار و متابعت مکن و از فتنه و فساد بیهی کن.

امام باقر (علیه السلام) از حالات چشم، در روز قیامت، سخن به مطن آورده است و درباره‌ی چشمی که نگاه‌های را از نامحرم باز می‌دارد می‌فرماید: «كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَيْنٌ ثَلَاثٌ عَيْنٌ سَهَرَتْ فِي سَعْيِ اللَّهِ وَعَيْنٌ فَاضَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَعَيْنٌ غُضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ»^۲، همه‌ی چشم‌ها در روز قیامت گرگتن است؛ مگر چشمی که در راه خدا تبار مانده باشد و از خوف خدا اشک ریخته باشد و چشمی که از نگاه‌های حرام پرهی‌کرده باشد.

۲ - ارزش حجاب و پوشش

در این دسته از روایات، با عبارت‌های مختلف، به حفظ حجاب و پرهی از هی‌حجابی سفارش شده است. از مجموع این روایات ارزش حجاب و پوشش در اسلام و جدی‌بودن آن برای بانوان برداشت می‌شود. چنانکه در روایتی از علی (علیه السلام) چنین می‌خوانیم: «وَ اكْفُفْ عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكَ إِلَيْهِنَّ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلَيْهِنَّ»^۳، زن‌ها را با حجاب و پوشش حفظ کن. به‌درستی‌که جدی‌گرفتن حجاب برای زنان سالم‌تر و ماندگارتر است. اسلام حجاب و پوشش اسلامی را برای خانم‌ها به‌گونه‌ای توصی می‌کند که با حفظ آن امکان سوءاستفاده از مزاحمان و مردان نیگانه گرفته می‌شود و زمینی جلب‌توجه خنثی می‌شود. ازاین‌رو، اسلام استعمال بوی خوش را در هیون از منزل برای خانم‌ها ممنوع

^۱ - بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۳۵، باب ۳۴.

^۲ - الکافی، ج ۲، ص ۸۰.

^۳ - نهج البلاغه، ص ۴۰۵.

کرده است؛ زیرا مقدمه‌ی فساد است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «لَا تُنْعَى لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُجَمَّرَ ثَوْبُهَا إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا»^۱، برای زن سزاوار نیست که وقتی از منزل بیرون می‌رود لباسش را خوشبو کند. اسلام حجاب و پوشش اسلامی را فقط وظیفه‌ی زن نمی‌داند؛ بلکه بپ مردان هم سفارش می‌کند. در برابر بی‌حجابی همسرانشان بی‌تفاوت نباشند. لذا، در روایتی به نقل از امام رضا (علیه السلام) چنین آمده است: «وَقَدْ لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) سَبْعَةً إِلَى أَنْ قَالَ وَ الْمُتَغَابِلُ عَنْ زَوْجَتِهِ وَ هُوَ الدَّيْثُ»^۲، پلیمبر خدا (صلى الله عليه وآله) هفت طایفه را لعن نمود تا اینکه فرمود: کسی که در مورد زنش سهل‌انگار است دیت است.

۳ - ستایش عفت و حجاب

در این دسته از روایات، خانم‌های عفت و باحجاب ستایش و تشویق می‌شوند و با این کار زنان مسلمان برای پدیی حکم حجاب آماده می‌شوند. همچنین، این آیات از اجر و پاداش عفت و پره‌نی‌گاری خبر می‌دهد که فقط با رعایت پوشش اسلامی میسر است و بی‌عفتی را نهی می‌کند که به دلیل ترک حجاب دامنگی زنان مسلمان می‌شود. این آیات به عواقب بد بی‌حجابی و بی‌عفتی نیز اشاره می‌کند که سرانجامش لعن خداوند و آتش جهنم است.

به گفته‌ی علی (علیه السلام) زن باعفت و باحجاب هم‌ردیفی مجاهد در راه خدا و ملکی از ملائکه‌هاست: «مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ»^۳، اجر و پاداش مجاهد شهید در راه خدا بالاتر از اجر و پاداش انسان باعفت و پره‌نی‌گلو نیست؛ انسان عفت و پاکدامن هم‌ردیفی ملکی از ملائکه‌هاست.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «الْحَلَالُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تَسَعُّ فِي النِّسَاءِ وَ وَاحِدَةٌ فِي الرِّجَالِ»^۴، حلال‌ارای ده جزء است، نه جزء آن در زن‌هاست و یک جزء آن در مردان.

^۱ - کافی، ج ۵، ص ۵۱۹.

^۲ - مستدرک، ج ۱۴، ص ۲۹۱.

^۳ - نهج البلاغه، ص ۵۵۹.

^۴ - من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۶۸.

امام باقر (علیه السلام) می فرمایند: «إِنَّ أَفْضَلَ الْعِبَادَةِ عِفَّةُ الْبُطْنِ وَالْفَرْجِ»^۱، بالاترین عبادت عفت شکم و دامن است.

در حدیثی، امام علی (علیه السلام) بی تفاوت بودن مردان در مقابل عفت، پاکدامنی و پاکیزگی همسرانشان را از بی غیبتی مردان قلمداد کرده اند؛ لذا با خطاب به اهل عراق می فرماید: «يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ نُبَيِّتُ أَنْ نِسَاءَكُمْ يَأْفِيَنَّ الرَّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَوْ مَا تَسْتَحْيُونَ وَ قَالَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَا عِفَّارُ»^۲، ای مردم عراق به من خبر رسیده است که زنان شما در مسیری راه با مردان شانه می زنند؛ آلی حلی نمی کنید؟ و بعد فرمود خدا لعنت کند کسی را که غیبت نداشته باشد.

مرداری که به جلوه گری و خودنمایی همسرانشان در نپوشیدن از منزل راضی باشند، در گناه همسرانشان شریک و مستحق آتش جهنم اند. «الْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَابِ دَارِهَا مُتَزَيِّنَةً مُتَعَطِّرَةً وَالزَّوْجُ بِذَلِكَ رَاضٍ يُحْيِي لَزَوْجِهَا بِه كُلِّ قَدَمٍ نَحْتٍ فِي النَّارِ»^۳، و همچنین در روایتی می خوانیم زن وقتی از خانه اش با زینت و بوی خوش نپوشد و شوهرش هم به این راضی است، با هر قدم همسرش برای او خانه ای در جهنم بنا می شود.

۴ - کنترل رفتار زن و مرد

برای اینکه در جامعه ای کاملاً جانب عفاف و پاکیزگی رعایت شود و مردان و زنان مسلمان به گناه آلوده نشوند و جلوی فتنه و فساد گرفته شود، مردان و زنان از معاشرت ها و تماس هایی که ممکن است آتش شهوت را در دلشان بپراکند منع شده اند؛ مانند مصافحه و خودآرایی و زینت زنان نپوشیدن از منزل و هم صحبت شدن غیر ضروری زنان با مردان نامحرم.

در حدیثی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «مَنْ صَافَحَ امْرَأَةً تَحْرُمُ عَلَيْهِ فَقَدْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَنْ التَزَّمَ امْرَأَةً حَرَامًا قُرْنَ فِي سِلْسِلَةٍ مِنْ نَارٍ مَعَ الشَّيْطَانِ فَتُذَفَّانِ فِي النَّارِ»^۴، زنی که با مردی نامحرم دست بدهد مورد غضب الهی قرار گرفته و به غضب او برگشته است. همچنین، از آن حضرت نقل شده است:

^۱ - کافی، ج ۲، ص ۷۹.

^۲ - بحار، ج ۷۶، ص ۱۱۵.

^۳ - بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۹.

^۴ - همان، ج ۱۰۱، ص ۳۲.

«نَهَى أَنْ تَخْرُجَ الْمَرْأَةُ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا فَإِنْ خَرَجَتْ لَعَنَ كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاءِ وَكُلُّ شَيْءٍ تَمُرُّ عَلَيْهِ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا وَنَهَى أَنْ تَتَزَيَّ الْمَرْأَةُ لِبَعْضِ زَوْجِهَا فَإِنْ فَعَلَتْ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَحْرِقَهَا بِالنَّارِ وَنَهَى أَنْ تَتَكَلَّمَ الْمَرْأَةُ عِنْدَ غَيْرِ زَوْجِهَا وَغَيْرِ ذِي مَحْرَمٍ مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ خَمْسِ كَلِمَاتٍ مِمَّا لَا بُدَّ لَهَا مِنْهُ»^۱، روایت است که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) از خارج شدن زن‌ها بدون اجازه‌ی شوهرانشان نهی نمود و فرمود: زنی که بدون اجازه‌ی شوهرش از خانه بیرون می‌رود مورد لعن همه‌ی ملائکه‌های خداوند و هر چینی که جن و انس بر آن مرور می‌کند قرار می‌گیرد تا آنکه به خانه‌اش برگردد و همچنان نهی کرد از زینت کردن زن برای غیبت از همسرش و فرمود: اگر کسی چرین کند حق است بر خداوند که او را در آتش جهنم بسوزاند و نهی کرد از سخن گفتن زنان با غیبت شوهرش بیشتر از پنج کلمه‌ای که مورد نطق است.

فطری بودن حجاب

مسئله‌ی حجاب و پوشش برای انسان‌ها مسئله‌ای فطری است. قرآن می‌فرماید: از زمان خلقت آدم مسئله‌ی پوشش مطرح بوده است. حتی قبل از آنکه آدم و همسرش از بهشت رانده شوند، لباس بهشتی داشتند؛ اما به دلیل ترک اولی که همان استفاده از شجره‌ی ممنوعه بود، چرین لباسی از بدنشان فرو می‌ریزد و آنگاه متوجه می‌شوند که برهنه‌اند. در همین حال، انگیزه‌ی پوشش طلبی و عفت‌خواهی آن دو را وادار می‌کند از برگ درختان بهشتی لباسی تهیه کنند. قرآن در این باره چرین می‌فرماید: «إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى»^۲، بهشت برای شما جایگاه خوبی است؛ در آن هرگز گرسنه و برهنه نخواهی شد.

بنابراین، از این آیه به خوبی به دست می‌آید که فطرت اولیه‌ی انسان براساس پوشش طلبی، عفت‌خواهی و حتی در مقابل هموعانیش بنا نهاده شده است. پس، اصل حجاب و پوشش برای بشر امری فطری و طبیعی است و در مقابل آن برهنگی است که خلاف فطرت و طبیعت بشر است. با این

^۱ - همان، ج ۱۰۰، ص ۲۴۳.

^۲ - سوره‌ی طه، آیه‌ی ۱۱۸.

طنین روشن می‌شود که اصل حجاب و پوشش ویژه‌ی دین مقدس اسلام نبوده است و از اول خلقت بشر مطرح بوده است؛ باین تفاوت که اسلام برای پوشش زنان کیفیت خاصی را ظنین کرده است و به‌همین دلیل لب‌نام حجاب اسلامی مورد توجه علما و دانشمندان اسلامی قرار گرفته است.^۱

حجاب از نظر عقل

لزوم پوشش از نظر عقل بر هیچ عاقلی پوشیده نیست؛ زیرا عقل سلیم هر چیزی که برای انسان مایی کرامت، موجب استواری اجتماع و سبب آرامش روانی افراد می‌شود را رکن و شایسته می‌پند و هر چیزی که باعث فساد، تباهی جامعه و سقوط اخلاق می‌شود را مذموم و ناپسند می‌داند. فضیلت حلی یکی از گزاره‌های عقل است و حلی انسان را به سوی حفظ پوشش و عفت دعوت می‌کند و به‌عکس نوح‌طیی که ماحصل جهل است انسان را به برهنگی و بی‌عفتی می‌خواند. امام علی (علیه السلام) فرموده‌اند: خداوند آدم را نهن عقل، حلی و دین منعی کرد؛ آدم عقل را انتخاب کرد. خداوند، توسط جبرئیل، به حلی و دین گفت از عقل دور شوی. آن‌ها به جبرئیل گفتند: «إِنَّا أُمِرْنَا أَنْ نَكُونَ مَعَ الْعَقْلِ حَيْثُ كَانَ»، ما همواره با عقل خواهیم بود.^۲

فلسفه‌ی حجاب

حجاب در اسلام از مسئله‌ای اساسی و ریشه‌ای نشأت می‌گیرد؛ اسلام می‌خواهد لذت‌های جنسری زن و مرد در منزل و نظام خانوادگی محصور باشد و به محیط‌های اجتماع که مخصوص کار و تلاش است کشیده نشود. از طرف دیگر، اسلام می‌خواهد زنان برای تمتعات مردان خودشان را رایگان عرضه کنند؛ بلکه تمتعات مردان از زنان باید براساس سلسله‌ی تعهدات متقابل باشد. محیط اجتماع صرفاً باید برای کار و فعالیت باشد، نه برای کامجویی و لذت‌جویی. باین اساس، وقتی زنان وارد اجتماع می‌شوند و در محیطی خارج از منزل قرار می‌گیرند، باین پوشیده باشند و با حجاب اسلامی در اجتماع ظاهر شوند. این خود فلسفه‌ای دارد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

^۱ - اقتباس از کتاب حجاب بیانگر شخصیت زن.

^۲ - اصول کافی، ج ۱، ص ۱۰ و ۱۱.

۱- آرامش روانی و اجتماعی

نبودن حریج مطلق زن و مرد و آزادی و معاشرت‌های بی‌بندوبار هنجارها و التهاب‌های جنسی را افزایش می‌دهد و تقاضای سکس را به صورت عطش روحی و خواستی اشباع نشدنی درمی‌آورد. غریزه‌ی جنسی بی‌ومند و در پی صفت است؛ هرچه بیشتر از آن اطاعت شود، بیشتر می‌گردد و آتشش شعله‌ورتر می‌شود. این امر زمانی به اوج خود می‌رسد که زنان بی‌حجاب و با آرایش، عشوه‌گری و خودنمایی در مکان‌های عمومی، اداره‌ها و کارخانه‌ها، که مردان زن در آن‌ها حضور دارند، وارد شوند. ناگفته نماند که با چنین وضعیتی مردان، به خصوص جوانان، در حالت تحریک دائم قرار می‌گیرند؛ تحریکی که هر آن به مغز و اعصاب آن‌ها فشار می‌آورد و تداوم این حالت سبب بروز امراض روحی و روانی می‌شود. چنانچه همی پزشکان روانی معتقدند: «هنگامی که استمرار باعث بیماری روانی خواهد شد»^۱.

اسلام با دستور حجاب از این بیماری، التهاب‌ها و تحریک غریزه‌ی جنسی پیشگیری کرده است؛ تحریکی که اگر کنترل نشود به طغیانگری و هواپرستی منجر می‌شود. اسلام غریزه‌ی جنسی زن و مرد را با رعایت پوشش اسلامی تعدیل کرده است. اسلام هیچ‌گاه طرفدار روح و اعصاب ناآرام و بیماری‌های روانی نیست؛ اسلام می‌خواهد بشریت روح آرام و اعصاب سالم داشته باشد.

۲- اجازه‌ی ورود در فعالیتهای اجتماعی

البته این نکته را نباید فراموش کرد که اسلام نمی‌خواهد زنان، که یکی از بزرگوارترین جامعه هستند، خانه‌نشین شوند. روحانی که به مسئله‌ی خانه‌داری، شوهرداری و تربیت فرزندان زنان تأکید دارد بزرگوار ارزش و اهمیت کانون خانواده است که اسلام به آن قائل است. اسلام می‌خواهد بگوید که تربیت فرزندان، شوهرداری، انجام کارهای خانه و سروسامان دادن منزل برای زنان اولویت دارد و اگر نظای وجود نداشته باشد بهتر است زن کار بیرون از منزل را در رتبه‌ی دوم قرار دهد؛ اما اگر جایی حضور زنان لازم باشد بی‌شرف اجتماعی به همکاری و کمک زنان احتیاج داشته باشد، نه تنها از نظر اسلام حضور زنان ممنوع نیست، بلکه واجب است. به همین دلیل، اسلام مسئله‌ی حجاب و پوشش زن را مطرح

^۱ - حجاب بیانگر شخصیت زن، ص ۷۹، محمدی اشتهاردی.

می‌کند. بنابراین، مسئله‌ی حجاب محکم‌ترین دلیلی جواز حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی است؛ زیرا حکم حجاب بوی خارج‌شدن زنان از منزل و واردشدن آن‌ها در مکان‌های عمومی و انجام فعالیت‌های اجتماعی است. اگر اسلام مخالف حضور زنان در اجتماع بود و زنان را به خانه‌نشینی دعوت کرده بود، معنا نداشت حکم حجاب جعل شود.

۳ - استحکام نظام خانواده

پوشش بانوان عامل خوش‌بختی ایشان است. پوشش زن موجب تحکیم روابط زناشویی در محیط خانوادگی و ازدواج مشروع است. پوشیدگی زن جلوی معاشرت‌های بی‌بندوبار و خلاف ارزش‌های اسلامی را می‌گیرد و به صورت متقابل محیط خانه را پر از مهر و وفا می‌کند و در نتیجه پیوند زناشویی رفاقت و صمیمیت در زوجها به وجود می‌آورد. اسلام می‌خواهد همه‌ی علاقه و توجه زوجها به یکدیگر باشد و همسر چشمش فقط به شوهرش دوخته شود.^۱

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به دخترش فاطمه فرمود: «ای شری‌خوئی! للمراة؟ قالت: ان لا تری رجلاً و لا ی‌اها رجل»، بهترین چیزی (زینت‌ها) برای زن کدام است؟ عرض کرد: او مردی را نبیند و مردی او را نبیند.^۲

ابن سیرین، فیلسوف معروف شرق، می‌گوید: «بر مرد لازم است زن را به تربیت فرزندان و تدبیر خانه‌داری مشغول نموده و وسائل پوشش و آرامش او را مهی‌نمائی. اگر زن بیکار و به کار خانه‌ی خود مشغول نباشد، قهراً مهی‌ به نمائش و اسراف زینت و لهو می‌کند؛ باین واسطه از وظیفه‌ی طبیعی خود خارج شده سرانجام مخالفت با حقوق و بزرگواری مرد می‌کند».^۳ در محیطی که حجاب است (و شرایط دیگر اسلامی رعایت می‌شود)، دو همسر به هم‌دیگر تعلق پیدا می‌کنند و احساسات، عشق و عواطفشان مخصوص یکدیگر می‌شود. در بازار آزاد برهنگی، عملاً زنان به صورت کالای مشترکی (دست‌کم در مرحله‌ی غی‌آمی‌شری جنسی) درآمده‌اند و دیگر قداست بیهان زناشویی مفهومی ندارد و

^۱ - حجاب در اسلام، ص ۱۴.

^۲ - مرآت النساء، ص ۱۳۰ و وسائل، ج ۳، ص ۹.

^۳ - حجاب در اسلام، ص ۱۵، به نقل از طومار عفت، ۱۷۶.

خانواده‌ها همچون تار عنکبوت به سرعت متلاشی می‌شوند و کودکان بی‌سرپرست می‌مانند.^۱ رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده‌اند: «الْمَرْأَةُ عَوْرَةٌ سَتَرَهَا بَيْتُهَا فَإِذَا خَرَجَتْ اسْتَشْرَفَهَا الشَّيْطَانُ»، زن موجودی آسرب‌پذی است که خانه از او حافظت می‌کند؛ وقتی بدون حجاب بیرون آید، شیطان او را احاطه می‌کند.^۲

۴ - حفظ حرمت و کرامت زن

زن از نظر شخصیت و کرامت با مرد فرقی ندارد. زن در دنیای اسلام بالاترین مقام را دارد؛ زنی مقام مادری و نثی زن است.

حرم نگه‌داشتن زن و مرد یکی از وسای مرموزی بوده است که زن برای حفظ مقام و موقعیت خود از آن در برابر مرد استفاده کرده است. اسلام زن را تشویق کرده است که از این وسیله استفاده کند و تأکیدی کرده است که زن هر مقدار متعین‌تر و باوقارتر و عفت‌تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد بر احترامش افزوده می‌شود.^۳

در جامعه‌ای که قانون حجاب رعایت نمی‌شود، زنان به خودآرایی، خودنمایی و جلوه‌کردن در انظار مردان نگاهانه روی می‌آورند و این امر، به‌مثابه‌ی فرهنگی در جامعه، از کرامت و شخصیت و مقام مری‌گری زن می‌کاهد. شگفت‌ای است همان‌های که فرهنگ بی‌حجابی را تبلیغ می‌کنند و شعار دفاع از آزادی زنان را سر می‌دهند، گه‌گاه‌ی دانشمندان‌شان اظهار می‌دارند که حلی و عفت در بالابردن مقام زن برای مرد تأثیری گذار است. دورنگه‌داشتن زن از مرد آتش عشق مردان را متعین‌تر می‌کند، تسلط معنوی زن را بر مرد افزایش می‌دهد و قدرت و محبوبیت زن را بیشتر می‌کند.

ولی دوران‌ت می‌گوئ:

خودداری از انبساط و امساک در بذل و بخشش بهتری سلاح برای شکار مردان است. اگر اعضای نهاری انسان را در معرض عام تشریح می‌کردند، توجه ما به آن جلب می‌شد؛ ولی

^۱ - تفسیر نمونه، ج ۱۴.

^۲ - حجاب بیانگر، ص ۷۳، به نقل از سنن ترمذی، ج ۳، ص ۲۷؛ مجموعه ورام / ج ۲ / ۱۱۹ / الجزء الثاني

^۳ - مسئله‌ی حجاب، ص ۹۵، مرتضی مطهری.

رغبت و قصد به ندرت تحریک می‌گردد. مرد جوان به دنبال چشمان پر از حطیست و بی آنکه بداند حس می‌کند که این خودداری ظریفانه از یک لطف و رقت عالی خبر می‌دهد.^۱

یکی دیگر از دانشمندان ب نام برتر این راسل می‌گوید: «از لحاظ هنر مایی تأسف است که به آسای به زنان بتوان دست عفت و خنکی بهتر است که وصال زنان دشوار باشد بدون آنکه غی ممکن گردد».^۲

از همه شگفت‌انگیزتر سخنی است که یکی از مجله‌های زنانه از آلفرد هیچکاک – که به قول آن مجله، به دلیل شغل فیلمسازی، هیچکاک درباره‌ی زنان تجارب فراوانی داشت – نقل می‌کند. او می‌گوید:

زنان شرقی تا چند سال پیش به خاطر حجاب و نقاب و روی‌بندی که به کار می‌بردند خود به خود جذاب می‌نمودند و همین مسئله جاذبه‌ی روی‌ومندی بدن‌ها می‌داد؛ اما به تدریج ب تلاشی که زنان این کشورها برای برابری با زنان غربی از خود نشان می‌دهند حجاب و پوششی که دی‌روز بر زن شرقی کشیده شده بود از مطن می‌رود و همراه آن از جاذبه‌ی جنسی او هم کاسته می‌شود.^۳

مولوی، شاعر توانا و عارف نازک‌اندیش، مثلی بسطه زی درباره‌ی حرم زن و افزایش قدرت و محبوبیت زن به وسیله حجاب می‌گوید. نخست، او درباره‌ی تسلط معنوی زن بر مرد چنین سخن می‌گوید:

زنی للناس حق آراسته است	زانچه حق آراست چون دانند جست
چون بی یکن الهاس آفری	کی تواند آدم از حوا بری
رستم زال ار بود وز حمزه پیش	هست در فویان اسیر زال خویش
آنکه عالم مست گفتارش بدی	کلم یکنی طی حمی — را می زدی

^۱ - مسئله حجاب، ص ۶۹ - ۷۴.

^۲ - همان.

^۳ - همان.

آنگاه، زن و مرد را به آب و آتش تشبیه می‌کند و می‌گوید مثل زن مثل آتش است و مثل مرد مثل آب. اگر حائلی نه آب و آتش نباشد، آب بر آتش غلبه می‌کند و آن را خاموش می‌کند؛ اما اگر حائلی باشد و آب را در دیگ قرار دهند و آتش را زیر دیگ روشن کنند، اندک‌اندک آب گرم می‌شود و به جوش می‌آید؛ تا آنجا که آب به بخار تبدیل می‌شود.

آب غالب شد بر آتش ازله‌ی زاتش او جوشد چو باشد در «حج‌ی»
چونکه دیگی حائل آمد آن دو را بهست کسرد آن آب را کردش هوا^۱

مبارزه با فرهنگ بیگانه

شکی نیست که فرهنگ بی‌حجابی و برهنگی فرهنگی وارداتی و غربی است. یکی از حربه‌های مهم استکبار در مقابله با مسلمانان حمله به فرهنگ اسلامی و ترویج فرهنگ مبتذل خودشان است. به گواهی تاریخ، استکبار جهانی از جوانان بالغان و مسلمانان معتقد که غیبت و شجاعت دینی دارند شکست خورده است؛ از این رو برای سست کردن باورهای دینی و به فسادکشاندن جوانان مسلمانان با ترفندهای مختلفی دست به کار شده است که ترویج فرهنگ بی‌حجابی، برهنگی و لباس‌های غربی و همچنین انتقاد از حجاب اسلامی یکی از آن ترفندهاست. بنابراین، برای اینکه حجاب اسلامی را از زنان مسلمان بگیند، گفتند که حجاب اسلامی مخالف آزادی زنان و مخالف تمدن است. از طرفی هم با مزدوران دست‌نشانده‌شان در کشورهای اسلامی (ایران، ترکیه، افغانستان) هم‌دست شدند و دستور بی‌حجابی را صادر کردند. عده‌ای نیز تحت تأثیر شعارهایشان قرار گرفتند و دینی برخاسته از باورهای مذهبی‌شان در برابر حجاب اسلامی را از دست دادند و طبق خواست استعمار به مدل‌های غربی روی آوردند.

زنان مسلمان می‌دانند که اسلام مخالف آزادی زن و تمدن واقعی، چه در بعد مادی و چه در بعد معنوی، جامعه‌ی بشری نیست. اسلام خواهان تمدن مادی و معنوی انسان‌هاست. اسلام نه تنها تمدن می‌خواهد، بلکه خود آورنده‌ی تمدن است. اسلام مخالف بی‌بندوباری، بی‌عفتی و فرهنگ مبتذل بیگانه است؛ زیرا فرهنگ اسلام فرهنگی برتر و به تمدن واقعی نزدیک‌تر است. پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

^۱ - دفتر اول، بخش ۱۱۸. مراعات کردن زن شوهر را.

فرموده‌اند: «الاسلام يُعْزِلُ الْوَالِدَيْنِ عَنِ الْوَلَدِ»^۱، فرهنگ اسلام برتر و متمدن‌تر است و برتر از آن فرهنگی نیست. حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) بعدنبال این حدیث فرموده‌اند: «نَحْنُ نَرْتُّهُمْ وَلَا يَرْتُّنَا»^۲، ما مسلمانان به آن‌ها ارث می‌گذاریم، نه اینکه از آن‌ها ارث ببریم. این حدیث به ما می‌آموزد که مسلمانان نباید تحت تأثیر فرهنگ نیکبانه قرار گیرند و آنان را الگوی خود قرار دهند.

پایه‌های بی‌حجابی و بدحجابی

فتنه‌ی آخرالزمان

در روایت، فرهنگ برهنگی و بی‌حجابی را فتنه‌ی آخرالزمان بیان کرده‌اند که اکنون نیز شاهد آن هستیم. امام علی (علیه السلام) در ضمن گفتاری از این فتنه یاد کرده‌اند و فرموده‌اند:

«يُظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَاقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمِنَةِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَادِيَّاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ خَارِجَاتٍ فِي الْأَفْتِنِ دَاخِلَاتٍ مَائِلَاتٍ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتٍ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَحِلَّاتُ الْمُحَرَّمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٍ»^۳، در آخرزمان که بدترین زمان‌هاست، زنان بی‌حجاب و برهنه آشکار شوند که با زینت و آرایش بی‌یون آیند، آنان از مرز دین خارج شده‌اند و در فتنه‌ها فرو رفته‌اند و به‌سوی شهوات شتاب دارند، حرام خدا را حلال کنند، سرانجام این‌ها در آتش دوزخ و گرفتار عذاب ابدی می‌شوند.

به‌رحال، فرهنگ برهنگی و بی‌حجابی پایه‌هایی دارد که از خطرناک‌ترین پایه‌هایش این موارد است:

گسترش دامنه‌ی فحشا

گسترش دامنه‌ی فحشا و افزایش فرزندان نامشروع از دردناک‌ترین پایه‌های بی‌حجابی است. البته، این بدان معنا نیست که عامل اصلی فحشا و فرزندان نامشروع فقط بی‌حجابی است؛ زیرا گسترش فحشا عوامل فراوانی دارد. ولی یکی از عوامل عمده و مؤثر آن مسئله‌ی بی‌حجابی و بدحجابی و

^۱ - مستدرک، ج ۱۷، ص ۱۴۲.

^۲ - وسائل الشیعه، ج ۲۶، ص ۱۳.

^۳ - وسائل، ج ۲۰، ص ۳۵ و من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۲۵.

برهنگی است؛ به دلیلی اینکه در مرد غریزه جنسی بسیار زیادی، درمقایسه با زن، وجود دارد که او را به زن به شدت علاقه مند می‌کند. این غریزه اگر به طور صحیح اشباع نشود، موجب انحراف و نپلدهای ناگوار می‌شود. آثار طغیان این غریزه به سرعت در چشم مردان ظاهر می‌شود. اگر مردان آزاد و بی‌بندوبار باشند و هیچ کنترلی در مطن نباشد، به چشم چرایی می‌پردازند و به دنبال چشم چرایی ارتباطات نامشروع و فسادهای دیگر پدیدار می‌شود. ازسوی دیگر، زنان هم به خودآرایی و نمایش علاقه دارند و اگر قانون و ضابطای در کار نباشد، به بی‌حجابی رو می‌آورند.

جوامع غربی که بی‌حجابی را در دینی بشر، ب‌نام آزادی زن و حقوق زن، تبلیغ می‌کنند، گهگاه بعضی از دانشمندانشان عواقب خطرناک این روند را اعلام می‌کنند. ازاین رو، بعضی از دانشمندان انگلیسی، باوجوداینکه برای مذهب و برنامه‌های اخلاقی اهمیت قائل هستند، اعتراف می‌کنند که وجود فرزندان نامشروع در جامعه برای دولت و ملت خطری جدی است و تهدیدی برای امریّت جامعه به حساب می‌آید.^۱

اُفت تحصیلی

افت تحصیلی و کم‌کاری یکی دیگر از نپلدهای بی‌حجابی است که دامنگیری برخی جوامع شده است؛ جوامعی که فرهنگ بی‌حجابی و برهنگی در آن‌ها حکم فرماست. مطالعات دانشمندان تربیت رینی نشان داده مدرسی که در آن دختر و پسر با هم درس می‌خوانند و مراکز که مرد و زن در آن کار می‌کنند و بی‌بندوباری در آمیزش آن‌ها حکم فرماست، کم‌کاری، عقب افتادگی و عدم مسئولیت به خوبی مشاهده شده است.^۲

تردیدی نیست که برای تحصیلی علم و کار، به‌ویژه کارهای اداری، تمرکز حواس ضروری است. هر مقدار تمرکز فکری در دانش‌آموزان و کارمندان بیشتر باشد، در انجام وظیفه موفق‌تر خواهند بود. حضور دختران و زنان بی‌حجاب و باآرایش موجب پرت‌شدن افکار پسران و کارمندان می‌شود. ازطرف دیگر، مردان و پسران هرزه نیز از این فضا سوءاستفاده می‌کنند؛ درنتیجه هرج و مرج فکری

^۱ - تفسیر نمونه، جلد ۱۴، ص ۴۴۵.

^۲ - همان.

به وجود می آید و انجام وظیفه به باد فراموشی سپرده می شود. از دیگر بطلدهای بی حجابی این موارد است: متزلزل شدن نظام خانواده، بالارفتن آمار طلاق، فراموش شدن ارزش واقعی زن، کمک به ترویج فرهنگ مبتذل غرب و بی هویتی خانم های مسلمان.

لباس بدن نما

وقتی پوشش چینی واجب شد، بای و بی و بی پوشندگی واقعی را داشته باشد و پوشش نازک و بدن نما پوشش حساب نمی شود. بنابراین، مواردی را که شارع مقدس پوشاندنش را واجب کرده است بای کاملاً پوشانند. معصومان (علیهم السلام) پوشیدن لباس نازک را نهی کرده اند و در مذمت آن سخن های زیادی گفته اند که همگی بر حرمت دلالت دارد. علی (علیه السلام) می فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالصَّفْقِ مِنَ الثَّيِّبِ فَإِنَّ مَنْ رَقَّ ثَوْبُهُ رَقَّ دِينُهُ»^۱، از لباس ضخیم استفاده کنید؛ کسی که لباسش نازک است، دینش ریز سست و نازک است.

امام صادق (علیه السلام) لباس نازک را نه تنها نهی می کند، بلکه در شأن زن مسلمان نمی داند؛ لذا می فرماید: «لَا يَصْلُحُ لِلْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ أَنْ تَلْبَسَ مِنَ الْخُمُرِ وَالْذُرُوعِ مَا لَا يَأْرِى شَيْئاً»^۲، شایسته ی زن مسلمان نیست که روسری و بیهاری بپوشد که بدن نما باشد و چیزی از بدن را نپوشاند.

علی (علیه السلام) می فرماید: «مَنْ أَطَاعَ امْرَأَتَهُ أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِي فِي النَّارِ قَبْلَ وَ مَا تِلْكَ الطَّاعَةُ قَالَ تَدْعُوهُ إِلَى ... وَلُبْسِ الثَّيِّبِ الرَّقَاقِ فَخُجِّئُهَا»^۳، کسی که از زنش اطاعت کند خداوند او را با صورت در جهنم واژگونش می کند. سؤال شد در چه چیزی اطاعت کند مستحق چرخی عذابی است؟ فرمود: همسرش او را در... و پوشیدن لباس نازک دعوت کند و او هم رضایت دهد.

لباس شهرت

لباس شهرت یعنی پوشیدن لباسی که در شأن کسی نباشد و موجب شهرت و انگشت نداشتن وی شود. علت این شهرت و انگشت نداشتن می تواند رنگ، نوع یا نحوه ی دوخت لباس باشد یا تناسبش با

^۱ - وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۸۳، ب ۲۱، ح ۵.

^۲ - همان، ج ۴، ص ۳۸۸.

^۳ - همان، ج ۲، ص ۴۹.

شخصیت فرد.^۱ اسلام می‌خواهد همه‌ی جامعه‌ی روشی معقول و اجتماعی در زندگی داشته باشند و جلوی اعمالی را می‌گیرد که فرد را از هموعان متمایز می‌کند. اسلام می‌خواهد زنان و مردان سنگینی و وجاهت اجتماعی داشته باشند و نوع لباس پوشیدنشان عادی و بی‌دور از هرگونه جلب توجه باشد. به‌همین جهت، اسلام پوشیدن لباس‌هایی را منع کرده است که موجب تمایز فرد در جامعه شود. اسلام پوشیدن چنین لباس‌هایی را ناشی از حقارت و کمبودهای روانی شخص می‌داند.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «كَفَى بِالْمَرْءِ خِزْيًا أَنْ يُلْبَسَ ثَوْبًا شَهْرُهُ أَوْ يَكْبَ دَابَّةً شَهْرُهُ»^۲، کافی است برای حقارت شخص آنکه لباسی بر تن کند که موجب شهرت او شود و بی‌چارایی را سوار شود که او را انگشت‌نما سازد. همچنین، می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُغْضُ شَهْرَةَ اللَّبَاسِ»^۳، لباس شهرت مبعوض خداوند است.

البته بعضی علما، مثل شیخ کلایی در کافی و شیخ حر عاملی در وسائل، این روایت را حمل بر کراهت نموده‌اند؛ ولی شدت نظن و سخت‌گیری‌های ائمه (علیهم السلام) در این مورد و هشدار ایشان به عذاب بر حرمت دلالت دارد. لذا، حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) لباس شهرت را بنابر احتیاط واجب حرام می‌داند و مرحوم صاحب عروه صریحاً فتوا به حرمت داده است.^۴،^۵ در روایت معصوم (علیه السلام) صریحاً لباس شهرت مذموم و مبعوض دانسته شده است. به گفته‌ی اصولیین، نهی از چیزی کشف از مبعوضیت آن چنی نزد خداوند می‌کند. روایتی از حسن ابن علی (علیه السلام) می‌تواند مؤید حرمت باشد: «مَنْ لَبَسَ ثَوْبَ شَهْرَةٍ كَسَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَوْبًا مِنَ النَّارِ»^۶، کسی که لباس شهرت بپوشد روز قیامت خداوند لباسی از آتش به تنش می‌کند. همچنین، نحوه‌ی رفتار امام (علیه السلام) با کسی که لباس شهرت بر تن کرده بود دلالت بر حرمت دارد.

^۱ - عروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۶۸، مسئله‌ی ۴۲.

^۲ - همان.

^۳ - الکافی، ج ۶، ص ۴۴۵.

^۴ - تحریر الوسیله، ج ۱، مسئله‌ی ۱۷.

^۵ - عروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۶۸.

^۶ - مستدرک، ج ۳، ص ۲۴۵.

روایت است عباد ابن کثیر نزد امام صادق (علیه السلام) آمد، درحالی که لباس شهرت بر تن داشت، امام (علیه السلام) فرمود: ای چه لباسی است؟ گفت: آلی چرین لباسی برای عیب است؟ حضرت فرمود: بلای! بعد فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده است: «مَنْ لَبَسَ نَظْبًا شَهْرَةً فِي الدُّنْيَا أَلْبَسَهُ اللَّهُ نَظْبًا الدَّلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱، کسی که در دنیای لباس شهرت بپوشد، در آخرت خداوند لباسی از ذلت بر تنش می‌کند.

البته، لازم به ذکر است که لباس شهرت در شرایط مختلف زمانی و مکانی و در هر عرف و اجتماعی فرق می‌کند و ملاک تشخیص آن عرف هر جامعه است. در واقع، ملاک لباس شهرت انگشت‌نماد است.^۲

۲- عطر نزدن زنان هنگام رفتن به مسجد

یکی از شرایطی که در مورد حضور زنان در مسجد نظن شده است این است که خود را زینت نکنند و از خوشبویی پرهیز کنند؛ زیرا یکی از مصادق زینت است. قبل از نظن این مطلب، مناسب است نظر اسلام را درباره‌ی زینت و تجمل بدانیم.

زینت و تجمل در اسلام

در متون دینی اسلام بانی وجود دارد به نام زینت و تجمل. زینت و تجمل در اسلام به تنها منع نشده است، بلکه به آن سفارش شده است. البته، اسلام در مورد زینت، مانند همه‌ی موارد دیگر، حد اعتدال را اتخاذ کرده است. اگر ساختمان روح و جسم انسان را در نظر بگیریم، می‌توانیم تعلیمات اسلام درست با ویژگی‌های روح و جسم بشر هماهنگ است و یکی از ویژگی‌های بشر حس زیبای خواهی است که اسلام نیز آن را نادیده نگرفته است. متنتی اسلام غرق شدن در زیبایی خواهی را، که به صورت تجمل پرستی ظهور می‌کند، رد کرده است.

^۱ - بحار، ج ۷۶، ص ۳۱۴.

^۲ - حریم عفاف، ص ۱۱۱.

اهمیت زینت در روایت

در روایت، به صورت گسترده و با ذکر مصادیق به زینت توجه شده است. از مجموع این روایات فضیلت و اهمیت زینت در اسلام به خوبی بدست می آید.

۱- امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدِهِ بِنِعْمَةٍ أَحَبَّ أَنْ يَأْهَىٰ عَلَيْهَا لِأَنَّهُ جَمِيلٌ حُبُّ الْجَمَالِ»^۱، وقتی خداوند نعمتی را برای بنده اش می دهد، دوست دارد آثار آن را در بنده اش مشاهده کند برای اینکه خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد.

۲- از امی مؤمنان (علیه السلام) نقل شده است که فرموده اند: «لَتَقَرَّيْ أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ كَمَا تَقَرَّي لِلْغَرِيبِ الَّذِي حُبُّ أَنْ يَأْهَىٰ فِي أَحْسَنِ الْمَثَلِ»^۲، هر کدام از شما بای برای برادر مؤمن خود زینت کنید؛ همان گونه که برای دیگران زینت می کنید و دوست دارید که شما را به بهتری هئت ببیند.

۳- از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: «النِّسَاءُ طَلَسْنَ الْحَرِيَّ وَ الدِّيَّاجَ إِلَّا فِي الْإِحْرَامِ»^۳، سزاوار است زن ها لباس ابریشمی و لطیف بپوشند، مگر در احرام.

۴- امیر مؤمنان (علیه السلام) فرموده اند: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ حُبُّ الْجَمَالِ وَ حُبُّ أَنْ يَأْهَىٰ أَثَرُ النِّعْمَةِ عَلَى عَبْدِهِ»^۴، خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و دوست دارد که اثر نعمتی را که به او داده است مشاهده کند.

موارد جالب دیگری نیز در روایات، در مورد چگونگی زیبایی و زینت، وجود دارد که به جزئیات

اشاره کرده است؛ مانند شانه زدن مو^۵، سرمه کشیدن^۶، خوشبویی^۷ و استفاده از انگشتر^۸.

^۱ - کافی، ج ۶، ص ۴۳۸ و وسائل، ج ۵، ص ۵.

^۲ - کافی، ج ۶، ص ۴۴۰.

^۳ - همان، ص ۴۵۴ و وسائل، ج ۴.

^۴ - کافی، ج ۶، ص ۴۳۸.

^۵ - ثواب اعمال.

^۶ - همان.

^۷ - همان.

^۸ - همان.

زینت برای حضور در مسجد

تاکنون، با مواردی که ذکر کردیم، دریافتیم در اسلام زینت و تجمل امری پسندیده است؛ به خصوص استفاده از آن برای وارد شدن به مکان‌های مقدس و انجام دعا و عبادت. در قرآن کریم می‌خوانیم: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»^۱، همه‌س زینت‌های خود را هنگام رفتن به مسجد بردارید.

سری‌هی معصومان (علیهم السلام)

در وصف امام حسن مجتبی (علیه السلام) آمده است: وقتی به نماز بر می‌خواست بهترین لباس‌های خود را می‌پوشید. علت را پرسیدند و آن حضرت فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، فَاتَّجَمَّلُ لِرَبِّي وَهُوَ يَقُولُ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ، فَأَحَبُّ أَنْ أَلْبَسَ أَجُودَ ثِيَابِي»^۲، خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد. من برای خدایم خود را آراسته می‌کنم؛ چون او می‌گویی: زینت خود را نزد هر مسجدی برگزینی و من دوست دارم که بهترین لباسم را بپوشم. همچنین، نقل شده است که امام سجاد (علیه السلام) در شبی سرد با لباس‌های زیبا و مرتب و معطر به‌یون رفتند؛ وقتی از وی سؤال کردند که با این هیئت در چرخی شب سردی کجا عزم هستی حضرت فرمود: «إِلَى مَسْجِدِ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ...»^۳، به‌سوی مسجد جدم رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) اراده نمودم. فقها با استفاده از روایات و سری‌هی معصومان (علیهم السلام) استعمال بوی خوش و پوشیدن لباس تمین و زیبا را، هنگام رفتن به مسجد، مستحب می‌دانند. اما در مورد زنان همین امر مستحب نمی‌شده است.

احادیث منع عطر زدن زنان هنگام رفتن به مسجد

یکی از شرایطی که در روایات به آن اشاره شده است، حضور زنان در مسجد بدون استفاده از عطر و خوشبو بودن است. چنانچه رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: «إِذَا شَهِدْتُ إِحْدَاكِنَّ الْعِشَاءَ فَلَا تَمَسَّنَّ طِيباً»^۴، زن‌ها وقتی در مسجد حضور پیدا کردند از بوی خوش استفاده نکنند. همچنین، در روایتی دیگر

^۱ - سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۳۱

^۲ - مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۴۱۲.

^۳ - وسایل، ج ۲، ص ۵۰۳.

^۴ - المجموع، ج ۴، محی‌الدین النووی، ص ۱۹۹ و صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳.

دیگر گفته‌اند: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ لِغَيْرِ زَوْجِهَا لَمْ تُقْبَلْ مِنْهَا صَلَاةٌ حَتَّى تَغْتَسِلَ مِنْ طِبِّهَا»^۱، هرگاه زری خود را خوشبو کند، سپس به سوی مسجد برود، نمازش قبول نمی‌شود، تا آنکه آن بوی خوش را از خود برطرف کند. در روایت دیگری از آن حضرت می‌خوانیم: «لَا تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ، وَ لِيُخْرِجُنَّ إِذَا خَرَجْنَ تَفَلَّاتٍ»^۲، زنان را از مسجد منع نکنید و زین هم نبائی با خوشبویی از خانه خارج شوند و به مسجد روند. امام علی (علیه السلام) فرموده‌اند: وقتی زنان با بوی خوش و زینت کرده بیرون می‌روند، خدا را معصیت می‌کنند؛ زیرا برخلاف دستورات خداوند عمل کرده‌اند؛ در این صورت جای رحمت که اجازه داده شود.^۳

همان‌گونه‌که دیده می‌شود اجازه‌ی بیرون رفتن زن به استفاده نکردنش از بوی خوش منوط شده است (اگر زنان هنگام خروج از منزل بی حضور در مسجد بوی خوش را ترک نکنند، بر مردان جای رحمت که اجازه دهند). این خود اهمیت و دقت اسلام را در مسئله‌ی حجاب و عفاف نشان می‌دهد.

دلیل منع عطرزدن زنان هنگام حضور در مسجد

دلیل منع عطرزدن زنان در مسجد این است که دین مقدس اسلام به عفت و پاکیزگی بسیار اهمیت می‌دهد و به هیچ وجه از بی‌عفتی و بدحجابی چشم‌پوشی نمی‌کند؛ زیرا مقدمه‌ی آلوده شدن، ارتکاب اعمال حرام و فرورفتن در محرمات جنسی است. برای پیشگیری از این پیامدهای ناسالم، اسلام دستور می‌دهد زنان بدون زینت و خوشبویی به مسجد بروند. از طرف دیگر، ممکن است عطرزدن و تزئین زنان برای رفتن به مسجد باعث شود در مسیری مورد آزار و اذیت جوانان هرزه و بی‌بندوبار قرار گیرند. بنابراین، ضرورت احجاب می‌کند حضور زنان خداجو برای عبادات در مسجد بدون زینت و خوشبویی باشد؛ زیرا این کار به تقوی و پاکیزگی نزدیک تر است. در روایتی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چنین می‌خوانیم: زنان را با ساده‌پوشی عادت و عاری دهید؛ زیرا اگر یکی از آنان با لباس تجملی و زیورهای بکوه بیرون رود، در نظر پیندگان خوش آیی (باعث هيجان شهوت و فتنه می‌شود).^۴

^۱ - سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۲۶، ح ۴۰۰۲.

^۲ - المحلی، ابن حزم، ج ۴، ص ۱۹۸.

^۳ - همان.

^۴ - شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۶۹؛ نهج الفصاحة / ۲۰۹ /

۳- حضور زن در مسجد با اجازه‌ی شوهر

از دیگر شرط‌های حضور زن در مسجد اجازه‌ی شوهر است. در این راستا، روایات به دو دسته تقسیم می‌شود: دسته‌ی اول عام است و خروج زن را از منزل بدون اجازه‌ی شوهر مطلقاً منع می‌کند و دسته‌ی دیگر در خصوص حضور زن در مسجد سخن می‌گوید.

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده‌اند: «أَيُّ امْرَأَةٍ تَطِئَتْ وَخَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا فَهِيَ تُلْعَنُ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا مَتَى مَا رَجَعَتْ»^۱، هر زنی که خود را خوشبو کند و از منزل خارج شود، مورد لعنت قرار می‌گیرد تا آنکه به خانه‌اش برگردد. همچنین فرموده‌اند: «الْحَيْضُ لِلنِّسَاءِ رَضِيحٌ فِي الْخُرُوجِ إِلَّا مُمْضِرَةً فَلِذَا خَرَجَتْ بِبَغْيٍ إِذْنُ زَوْجِهَا أَوْ وَلِيِّهَا فَقَدْ أَثَمَتْ وَلِلنِّسَاءِ فِي سَخَطِ اللَّهِ حَتَّى يَتَّجِعَ»^۲، زن حق ندارد از خانه بیرون رود مگر ناچار شود. هرگاه بدون اجازه‌ی شوهر بی سرپرستش خارج شود، گناهکار است و بی‌هسته خشم خداوند بر اوست تا برگردد.

به همین مضمون، روایات زیادی در کتب روایی از پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل شده است. علمای اسلام از این روایات حکم وجوب اجازه‌ی شوهر را در مورد بیرون رفتن زن از منزل نتیجه گرفته‌اند. امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه)، در تحریر الوسیطه، خارج شدن زن را از منزل بدون اجازه موجب نشوز زن دانسته‌اند. این نظر مشهور فقهاست و کسی هم مخالفی ندارد.

از آنجاکه زن برای رفتن به مسجد باید ابتدا از خانه خارج شود، برای رفتن به مسجد به اجازه‌ی شوهر نیاز دارد. علاوه بر این، روایاتی که عبادات مستحبی منوط به اجازه شوهر می‌داند نیز مانع از خروج زن برای رفتن به مسجد می‌شود؛ زیرا حضور زن در مسجد از جمله‌ی مستحبات است؛ بنابراین بایی با موافقت شوهر باشد. البته، مردان هم اخلاقاً موظف‌اند برای رفتن به مسجد به زنان اجازه دهند. چنانچه رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده‌اند: «إِلَّا يَخْنُحُوا أَمَاءَ اللَّهِ عَنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ»^۳، کزینان خدا را از مساجد

^۱ - وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۶۱.

^۲ - حجاب در اسلام، ص ۲۰۱، به نقل از مرآت النساء، ص ۱۱۸.

^۳ - المحلی، ج ۴، ص ۱۹۸.

خدا منع نکرد. همچنین فرموده‌اند: «إِذَا اسْتَأْذَنْتُ أَحَدَكُمْ امْرَأَتُهُ إِلَى الْمَسْجِدِ فَلَا يَمْنَعُهَا»^۱، زماری اگر همسر هر کدام شما اجازه‌ی مسجد خواست مانع نشوید.

دلیل منع خروج زن از منزل بدون اجازه‌ی شوهر

الف: مسئولیت سرپرستی

زندگی مشترک بای ضوابط و قواعدی داشته باشد تا زن و شوهر با اطمینان خاطر کنار هم زندگی باصفایی داشته باشند؛ در نتیجه باید فردی سرپرستی و مسئولیت اداره‌ی زندگی را عهده‌دار شود و تصمیم‌گیری نهایی معلوم شود. اسلام چنین مسئولیتی را، با توجه به توانایی‌های مرد، ب دوش مردان گذاشته است و می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»^۲، مردان سرپرست زنان‌اند. به‌همین دلیل، دستور می‌دهد خروج زن از منزل و انجام مشغولیت‌های زن در بیرون از منزل بای با اجازه‌ی (موافقت) شوهر باشد؛ حتی اگر آن کار انجام عملی عبادی باشد، مثل حضور در مسجد برای نماز. البته اخلاقاً هیچ مانعی ندارد که زن و شوهر در مسائل کلی یکدیگر را باخبر کنند و با موافقت و اجازه‌ی همدیگر پیش بروند.

ب: مصلحت خانوادگی

اسلام بپند زن و شوهری را بپندی واقعی می‌داند و آنقدر به این بپند و مصالح آن اهمیت می‌دهد که کوچک‌ترین امری را که برخلاف مصلحت آن باشد و بی‌توجهی به آن باعث بی‌اعتمادی و دل‌سردی زن و شوهر گردد منع می‌کند. بر همین اساس، برای حفظ مصلحت خانواده دستور می‌دهد رفت‌وآمدهای زن در بیرون از منزل با جلب رضایت شوهر باشد. از طرف دیگر، شوهر هم موظف است در همین محدوده تصمیم بگیرد و سخنگوی‌های بی‌مورد را کنار بگذارد.

شهبی مطهری (رحمة الله علیه) در مورد بیرون رفتن زن از منزل می‌فرماید:

^۱ - مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۶ و سنن نسایی، ج ۲، ص ۴۲.

^۲ - سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۳۴.

دو مسئله وجود دارد؛ یکی اینکه زن بای پوشره باشد و بیون رفتن به صورت خودنمایی و تحریک آمی نباشد و دیگر اینکه مصلحت خانوادگی احجاب می کند که خارج شدن زن از منزل با جلب رضایت شوهر و با مصلحت اندیشی او باشد... گاهی ممکن است رفتن زن به خانه ای اقوام و فامی خودش هم مصلحت نباشد. فرض کریم زن می خواهد به خانه ای خواهر برود و فی المثل خواهرش مفسد و فتنه انگیز است که زن را علی مصالح خانوادگی اش تحریک می کند. تجربه هم نشان می دهد که ای گونه قضای کم نظیر هست... در چنین مواردی شوهر حق دارد که از این معاشرت های زل بخش که زلش نه تنها متوجه مرد است، متوجه خود زن و فرزندان زن می باشد جلوگیری کند.^۱

مسئله ی تراحم

گاه موقعی پیش می آید که شخص نمی تواند به دو وظیفه با هم عمل کند و ناچار است یکی را فدای دیگری کند. در این موارد، که از آن لبنان «تراحم» یاد می شود، عقل حکم می کند که بای مهم را فدای اهم کرد؛ یعنی وظیفه ای را باید انجام داد که اهمیت بیشتری دارد و دیگری را باید ترک کرد. اگر این مسئله در حیطه ی وظایف فردی باشد، تشخیص این امر به عهده ی خود شخص است؛ ولی اگر وظایف مربوط به شئون مجموعه ای جامعه ای باشد، وظیفه ی تمی بر عهده ی رهبر آن مجموعه است. از این رو، تشخیص چنین امری در جامعه ی اسلامی به عهده ی ولی فقی است. این امور در خانواده به عهده ی رهبر خانواده است. اوست که تشخیص می دهد آلی کار همسرش در بیون خانه با وظایف خانوادگی او و مصالح زندگی مشترک در تضاد است یا خیر؟ او می تواند به دلی تراحم، همسرش را از شغل و هر نوع خروج از منزل منع کند. البته، مسئله ی تراحم در جایی مطرح است که دو طرف تراحم وظیفه باشد؛ اگر چه از باب واجب کفایی ای وظایف اجتماعی باشد. در غیر این صورت، یعنی اگر شغل وظیفه نباشد و با وظایف خانوادگی در تعارض باشد، جایی نیست زن به آن شغل بپردازد.^۲

^۱ - مسئله ی حجاب، ص ۱۰۳.

^۲ - مجله ی پیام زن، شماره ی ۶۶، شهریور ۱۳۷۶، ص ۲۶-۲۷.

در روایتی به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) آمده است: «أَنَّ امْرَأَةً سَأَلَتْهُ فَقَالَتْ: عَلَى رَسُولِ اللَّهِ مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الزَّوْجَةِ قَالَ لَا تَتَّصِدَّقُ مِنْ نَفْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَلَا تَمْنَعُهُ نَفْسُهَا وَإِنْ كَانَتْ عَلَى ظَهْرِ قَتَبٍ وَلَا تَصُومُ يَوْمًا تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَلَا تَخْرُجُ مِنْ نَفْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ»، زنی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) سؤال کرد حق شوهر بر همسرش چیست؟ آن حضرت فرمود: اینکه زن از شوهرش اطاعت کند و نافرمانی نکند و از خانه بدون اجازه نپھون نرود، بدون اجازه‌ی او صدقه ندهد و بدون اذن او روزه‌ی مستحبی نگیرد.^۱

محجوریت مرد

اگر بف دلتی مرد از سرپرستی خانواده محجوریت پیدا کرد (به واسطه‌ی جنون، اعتیاد مزمن، مریضی و ناتواری جسمی و ...) و صلاحیت سرپرستی و اداره‌ی زندگی خانوادگی را از دست داد، زن می‌تواند با مراجعه به مراجع قانونی و تقاضای اعطای سرپرستی این وظیفه را بر عهده بگیرد. در این صورت، قانون اختیاراتی را به او واگذار خواهد کرد که در جامع‌ی اسلامی ولایت فقهی مبنای فقهی چرخی امری است.^۲

۴- پرهیزی از رفت و آمد تنها

گام‌هایی که مسلمان هنگام رفتن به مسجد بر می‌دارد نزد خداوند بسطید گرامی است. برای اینکه این ارزش را به ضدارزش تبدیلی نکنیم، بهتر است اگر موقعیت اجتماعی اقتضا می‌کند زنان و دختران سعی کنند با دوستان، خواهران، برادران، پدر، مادر علی شوهرشان به مسجد بروند تا ثوابی که برای این رفت و آمد در نظر گرفته شده است شامل حالشان شود.

در سخنی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «مَنْ مَشَى إِلَى الْمَسْجِدِ لَمْ يَضَعْ رِجْلَيْهِ عَلَى رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا يُسَبِّحُ لَهُ إِلَى الْأَرْضَيْنِ السَّابِعَةِ»^۳، کسی که بهسوی مسجد حرکت کند، گام بر تروخشک

^۱ - مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۳۷.

^۲ - مجله‌ی پیام زن، شماره‌ی ۶۶، شهریور ۱۳۷۶.

^۳ - الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۳.

نمی‌گذارد، مگر اینکه زمین تا طبقات هفت گانه‌اش برای او تسبیح می‌گویند. تردیدی نیست حفظ ارزش و ثواب این گام‌ها در گرو حفظ شیئ‌ات اسلامی و ارزش‌های متعالی است.

۵- عدم اختلاط

یکی از شرایط حضور زنان در مسجد رعایت حریم یعنی زن و مرد است. زنان مسلمان مجازند در مسجد حضور یابند، به شرط اینکه این کار به اختلاط زن و مرد منجر نشود. البته، مسئله‌ی اختلاط مرد و زن به حضور زنان در مسجد اختصاص ندارد و در مورد غیبت مسجد هم این مسئله نهی شده است. در متون روایی فرقه‌ی این روایت بدو دسته تقسیم می‌شود: یکی دسته به صورت مطلق اختلاط زن و مرد را منع کرده است و دسته‌ی دیگر از اختلاط در مسجد سخن گفته است.

الف: روایات مطلق

نقل شده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند:

۱- «بَاعِدُوا بَيْنَ أَنْفَاسِ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ فَإِنَّهُ إِذَا كَانَتِ الْمُعَايِنَةُ وَاللِّقَاءُ كَانَ الدَّاءُ الَّذِي لَا دَوَاءَ لَهُ إِلَّا بِكُمُ وَالْدُّخُولَ عَلَى النِّسَاءِ»^۱، یعنی زنان و مردان فاصله قرار دهی؛ زیرا بر اثر ملاقات و به هم آمیختگی دردی به هم رسد که دوا ندارد. بر شما باد که از آمیختن و اختلاط با زنان اجتناب کنید.

۲- «إِيَّاكُمْ وَالْخُلُوةَ بِالنِّسَاءِ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا خَلَ رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ إِلَّا دَخَلَ الشَّيْطَانُ بَيْنَهُمَا وَلَئِنْ يَزْحَمُ رَجُلٌ خِنْزِيرًا مُتَلَطِّخًا بِطِينٍ وَحَمَاءٌ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَزْحَمَ مِنْكَبُهُ امْرَأَةٌ لَا تَحِلُّ لَهُ»^۲، از خلوت کردن با هر زن بهگانه پیره‌ی؛ به خدا سوگند مردی با زنی نامحرم خلوت نکند، جز آنکه شیطان یعنی آنها وارد شود و سرانجام آن دو را گمراه سازد اگر خوکی آلوده به کثافت و لجن مال به انسان زحمت رساند بهتر است از اینکه شانه‌ی زن بهگانه با مردی تماس پیدا کند.

۳- «إِيَّاكُمْ وَمَحَادَثَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّهُ لَا يَخْلُو رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ لَيْسَ لَهَا مُحَرَّمٌ إِلَّا هُمُ بَهَا»^۳، از ملاقات با زنان نامحرم دوری کنید؛ زیرا خلوت نکند مردی با زنی نامحرم مگر آنکه قصد او کند.

^۱ - حجاب در اسلام، ص ۱۹۸، به نقل از مرآت النساء، ص ۱۴۰.

^۲ - همان، مرآت، ص ۱۱۷.

^۳ - همان.

باتوجه به این آیات، علما و بزرگان مراجع تقلید کراهت اختلاط زن و مرد را نهی کرده‌اند. البته روشن است حکم به کراهت در صورتی است که خوف فتنه و فساد (در اصطلاح فقها خوف «ریح») وجود نداشته باشد و اگر چنین خوفی وجود داشته باشد شکی نیست که حرام است که در مورد جوانان نیز چنین خوفی وجود دارد. به همین دلیل، وقتی از امام خمینی (رحمة الله علیه) در مورد شرکت بانوان در ارگان‌های دولتی، جهاد سازندگی و ادامه‌ی تحصیلات در دانشگاه سؤال کردند، ایشان فرمودند: با رعایت وظایف شرعی در امور متذکره مانع ندارد؛ ولی از اختلاط و تماس زن با نامحرم اجتناب شود. همچنین، در مورد تحصیلات دختران گفتند: ادامه‌ی تحصیلات در رشته‌های حلال اشکال ندارد؛ ولیکن تستر و خودداری از اختلاط لازم است و اگر ادامه‌ی تحصیلات مستلزم اختلاط با نامحرم باشد و مفسد دینی و اخلاقی در بر داشته باشد، ترک کند.^۱

ب: روایات مؤید به مسجد

گذشته از روایات عام، روایات منع اختلاط بانوان با مردان در مسجد نیز در کتب روایی اهل سنت نقل شده است. از جمله، روایتی است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در پیون مسجد بودند، دیدند مردان و زنان با هم از مسجد پیون می‌آیند؛ پس به زنان رو کردند و فرمودند: «بهتر است صبر کنید ابتدا مردان بروند بعد شما».^۲ همچنین، آن حضرت روزی به دری از درهای مسجد رو کردند و فرمودند: خوب است این در را برای بانوان اختصاص دهی.^۳

نهی‌های زیارت اختلاط زن و مرد

نهی اختلاط زن و مرد مربوط می‌شود به همان کشش جنسی‌ای که نهی دو جنس مخالف وجود دارد. کسری نمی‌تواند ادعا کند که در برابر هوا و هوس خودش که او را به‌صوی گناه دعوت می‌کند برتری دارد و خطر آلوده شدن در او منتفی است. به گفته‌ی قرآن، حضرت یوسف (علیه السلام) از این وادی پر خطر به خدا پناه برد و گفت: «وَمَا أُبَرِّئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ

^۱ - حجاب بیانگر شخصیت زن، ص ۹۸، به نقل از احکام بانوان، ص ۲۴.

^۲ - سنن ابی داود، ج ۲، ص ۵۳۳، حدیث ۵۲۷۲.

^۳ - همان، ج ۱، ص ۱۳۷، حدیث ۵۷۱.

رَحِيمٌ»^۱، و من نفس خود را تبرئه نمی کنم؛ زیرا نفس قطعاً به بدی امر می کند، مگر کسی را که خدا رحم کند؛ زیرا پروردگار من آمرزنده مهربان است. به ویژه این اتفاق زمانی می افتد که زنان با زیستی خاص و با مد و لباسی آجینای ظاهر می شوند؛ مانند بسیاری از عروسی ها و سفارش های اسلام نیز در این راستا مورد بی مهری قرار گرفته است. شکی نیست که به گفته ی شهی مطهری: «این گونه همدوشی ها به هم آغوشی ها منتهی می گردد»^۲.

در این مورد، گفتار آنان که سخن معروف «الانسان حرص علی مامنع» را سر می دهند سخت اشتباه است. گوئی آنان با روحیه ی انسان ها آشنایی ندارند و از آمار تکان دهنده ی فساد در جوامعی که حدی برای معاشرت و اختلاط زن و مرد نمی شناسند اطلاعی ندارند. برای نمونه، بد نیست بدانیم از هر ده زن آمریکایی، چهار نفر در محیط کار هدف باج خواهی و تهدید جنسی همکارانشان قرار می گیرند. به گزارش رادیوی دولتی انگلیس، روزنامه ی اخبار جهان، «۵۰ درصد زنان به شکلی مورد آزار و اذیت قرار گرفته اند همکاران مرد آنها برایشان مزاحمت ایجاد کرده اند»^۳. این آمار نشان می دهد که هر چه معاشرت بیشتر و آزادتر باشد، خوی وحشیگری بیشتر می شود. به عقیده ی شهی مطهری: «آزادی در مسائلی جنسی سبب شعله ور شدن شهوت ها به صورت حرص و آز می شود که نمونه اش به گواهی تاریخ رفتار صاحبان حرمسراهای رومی، ایرانی و اعراب است»^۴. در نتیجه، بیای اینک فرد و جامعه از چنین خطری در امان بماند، اسلام به اجتناب از اختلاط زن و مرد سفارش می کند. اسلام برای پیشگیری از آسیب، در مواردی که اجازه می دهد زنان همدوش مردان در امور اجتماعی سهیم باشند، راه هایی را پیشنهاد می کند:

۱- بیای احتیاط، از اختلاط در موارد غیر ضروری پرهیز شود؛

۲- زنان در مجامع عمومی با حجاب کامل وارد شوند؛

۳- از سخنان تحریک آمیز جلوگیری شود؛

۴- زن و مرد در نگاه هایشان کاملاً مراقب باشند (غضّ نظر داشته باشند)؛

^۱ - سوره ی یوسف، آیه ی ۵۳.

^۲ - مسئله ی حجاب، ص ۲۳۷.

^۳ - معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام، ص ۱۸-۱۹.

^۴ - مسئله ی حجاب.

۵ - چون هیچ ضرورتی برای اختلاط زن و مرد در مسجد وجود ندارد از آن پرهیز شود؛

۶ - اسلام جوانان را به ازدواج آسان و بی‌دغدغه‌ی تجمل‌گرایی دعوت می‌کند؛ زیرا خطر بیشتری متوجه آنهاست.

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل است که در مورد ازدواج جوانان فرمودند: «مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ»^۱، کسی که ازدواج می‌کند نصف دینش را حفظ نموده است. در روایتی دیگر از ایشان می‌خوانیم: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى طَاهِرًا مُطَهَّرًا فَلْيَلْقَاهُ بِزَوْجَتِهِ»^۲، اگر کسی می‌خواهد خداوند پاک و پاکیزه را ملاقات کند، پس بایستی با همسرش ملاقات کند.

۶- توقف و وقت‌گذاری نکردن بختی خانه و مسجد

از جمله شرایط رفت و آمد زنان به مسجد توقف نکردن بختی راه مسجد و خانه است. توقف‌های بختی در کوچه‌ها و خیابان‌ها برای زنان و دختران زشت است. ائمه‌ی معصوم (علیهم السلام) توقف بختی در مسجد را مذموم شمرده‌اند تا چه رسد به آنکه بختی راه توقف بختی در مسجد شود. بختی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) خطاب به ابوذر می‌فرماید: «يَا أَبَاذَرٍّ! كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَغْوٌ إِلَّا ثَلَاثَةً قِرَاءَةُ مُصَلٍّ أَوْ ذِكْرُ اللَّهِ أَوْ سَائِلٌ عَنْ عِلْمٍ»^۳، هر جلوس در مسجد لغو و بختی در مسجد لغو و بختی است مگر آنکه برای سه کار باشد: خواندن قرآن، ذکر خدا و کسب دانش. بنابراین، توقف بختی در مسجد و خارج از آن از دیدگاه روایت اهل بختی (علیهم السلام) مذموم است. در روایت اهل سنت بختی، در صحیح بخاری، از عائشه چرخ نقل شده است: «أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُغْلَسُ بِهَا حَتَّى إِنَّهُ كَانَ إِذَا فَرَغَ مِنْهَا انْصَرَفَ النِّسَاءُ وَهُنَّ لَا يُعْرِفْنَ مِنَ الْغَلَسِ»^۴، وقتی بختی اسلام (صلی الله علیه و آله) نماز صبح را خواند بانوان [بلافاصله] پراکنده شدند درحالی‌که به دلیل تاریکی اول صبح بختی از دیگری شناخته نمی‌شدند.

^۱ - وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷.

^۲ - همان، ص ۱۸.

^۳ - مستدرک، ج ۳، ص ۳۷۱، باب کراهت انشاء الشعر فی المسجد.

^۴ - صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۱۱.

۷- پره‌ئی از سخنان بلند و بیهوده در مسجد

یکی از نکاتی که زنان بای هنگام حضور در مسجد رعایت کنند، پره‌ئی از سخنان بیهوده و صدای بلند است. بانوان مسلمان و خداجو که برای عبادت به مسجد می‌روند باید دو مسئله را رعایت کنند. نخست، قداست و احترام مسجد را رعایت کنند و دیگری از سخنان بلند و بیهوده پرهیز کنند. به‌طور کلی در روایات، با صدای بلند و بیهوده سخن گفتن در مسجد نفی شده است. در این مورد، هیچ فرقی بین زن و مرد وجود ندارد. به فرموده‌ی قرآن این کار از مصادق لغو است و پره‌ئی از آن یکی از صفات شایسته‌ی مؤمنان است. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) درباره‌ی پره‌ئی از بلند کردن صدا در مسجد فرموده‌اند: «إِذَا فَعَلْتَ أُمَّتِي خَمْسَ عَشْرَةَ خَصْلَةً حَلَّ بِهَا الْبَلَاءُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هُنَّ قَالَ... وَارْتَفَعَتِ الْأَصْوَاتُ فِي الْمَسَاجِدِ»^۱، هنگامی که پانزده خصلت در مطن امت من رایج شود بلا بر آنان نازل خواهد شد... از جمله‌ی آن‌ها این است که صداها را در مسجد بلند کنند.

حضرت علی (علیه‌السلام) ضمن حدیثی در این باره فرمودند: «يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ نَاسٌ يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ فَيَقْعُدُونَ فِيهَا حَلَقًا ذَكَرَهُمُ الدُّنْيَا وَحُبُّ الدُّنْيَا لَا تُجَالِسُوهُمْ فَلَيْسَ لِلَّهِ فِيهِمْ حَاجَةٌ»^۲، در آخر زمان زماری فرا می‌رسد که مردم به مسجد می‌آیند و گردهم می‌نشینند و یگانه همشان در پی است و سخن گفتن در آن خصوص. با این‌ها نشریعی که خداوند آنان را به حال خودشان رها کرده است. مقام و عظمت مسجد در اسلام به اندازه‌ای است که سخنانی غبی از ذکر و طعنه خدا در آن شایسته نیست. پرداختن به امور دنی در مکانی که مخصوص عبادت است، علاوه بر آنکه خلاف شأن بندگان نمازگزار است، اگر موجب بی‌حرمتی به مسجد شود، حرام و از گناهان کبیره نیز است.

احکام صدای زن نامحرم

در مورد زنان، علاوه بر آنکه صدای بلند در مسجد نهی شده است، رساندن صدا به گوش مردان نامحرم نیز نهی شده است. از این رو، بر شدت منع و لزوم رعایت این شرط افزوده شده است و احادیث زیادی در این مورد نقل شده است. در روایتی از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) چنین نقل شده است: «وَنَهَى أَنْ تَتَكَلَّمَ

^۱ - مستدرک، ج ۳، ص ۳۸۲.

^۲ - وسایل، ج ۵، ص ۲۱۴ و بحار، ج ۸۰، ص ۳۶۸.

الْمَرَأَةُ عِنْدَ غَيْبِ زَوْجِهَا وَغَيْبِ ذِي مَحْرَمٍ مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ خَمْسِ كَلِمَاتٍ مِمَّا لَا بُدَّ لَهَا مِنْهُ^۱، حضرت منع کرد از صحبت کردن زدن بل مردان نامحرم نهی از پنج کلمه‌ای که ناچار است زن از گفتن آن.

همچنین، امام کاظم (علیه السلام) به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ، فَلَا يَلْبَثُ فِي مَوْضِعٍ تَسْمَعُ نَفْسُهُ امْرَأَةً لَيْسَتْ لَهُ بِمَحْرَمٍ^۲، کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد در خانه‌ای که نفس زن نامحرم به گوشش می‌رسد نبائی بخوابد.

حال اگر خانم‌ها در مسجد صدایشان را بلند کنند و به گوش مردان نامحرم برسانند، بدون آنکه ضرورتی در کار باشد، - به‌ویژه اگر با سبکی خاص سخن بگویند که به نظر مردان تحرکی آمیز باشد - مسجدی که محل عبادت و کسب ثواب است به گناه آلوده می‌شود. خداوند به زنان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا^۳، ای همسران پیامبر! شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید، اگر سرِ پروا دارید؛ پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گویند. خداوند در این آیه و قدر و عفاف در کفایت سخن گفتن را به زنان دستور می‌دهد. گرچه این کار به ظاهر بسط ساده به چشم می‌آید؛ ولی درواقع می‌تواند سرچشمه‌ی لغزش‌های فراوانی شود.

حکم فقهی مسئله

به نظر همه‌ی فقها، اگر زن صدایش را نازک کند و با کفایت صحبت کند که برای مرد نامحرم تحرکی آمیز باشد، هم برای زن چرخی صحبتی حرام است و هم برای مرد گوش دادن آن. لذا، صاحب عروة می‌گوید: «و يحرم عليهما إسماع الصوت الذي في تهييج للسامع بتحسينه و ترفيقه^۴». اما درمورد قرائت نماز فتوای علما متفاوت است.

^۱ - بحار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۳.

^۲ - بحار، ج ۱۰۱، ص ۵۰.

^۳ - سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۲.

^۴ - عروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۰۴.

امام (رحمة الله عليه) می فرمایند: «بنابر احتیاط واجب اگر صدای زن را مرد نامحرم بشنود، قرائت نماز صبح و مغرب و عشاء را آهسته بخواند».^۱

مقام معظم رهبری می فرمایند: «اگر نامحرم صدایش را می شنود بهتر است آهسته بخواند».^۲
مکارم شریازی می فرمایند: «اگر نامحرم صدایش را می شنود مستحب است آهسته بخواند».^۳
بنابراین، خانم‌ها موظف‌اند در مورد قرائت نمازشان به مراجع تقلیدشان مراجعه کنند.

وظیفه‌ی امام جماعت در رعایت حال زنان و مادران نمازگزار

امام جماعت وظایفی دارد که شایسته است برای رونق بیشتر مسجد، باشکوه‌شدن نماز جماعت، جلب و جذب مؤمنان و عمران و آباداری مسجد به آن‌ها توجه کند. از جمله وظایفی که در روایات بی آن تأکیدی شده است این است که امام جماعت در خواندن نماز حال ضعیف‌ترین افراد را در نظر بگیرد. در روایتی امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «يُنْبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ يَكُونَ صَلَاتُهُ عَلَى صَلَاةِ أَوْعَفٍ مِنْ خَلْفِهِ»^۴، شایسته است که نماز امام جماعت مثل نماز ضعیف‌ترین افرادی باشد که به او اقتدا نموده است.

باید در مورد خانم‌ها به این امر بیشتر دقت کرد، به‌ویژه در مورد خانم‌های باردار و خانم‌هایی که بچه شری می‌ده‌د. لذا، باید از رکوع و سجده‌های طولانی که برای این افراد سنگین است خودداری شود. در روایتی آمده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دو رکعت آخر نماز چهار رکعتی را با تخفیف انجام داد، به‌گونه‌ای که اعجاب حاضران را برانگیخت، گفتند: ای رسول الله (صلی الله علیه و آله)؛ مگر چیزی پیش آمد که رکعت‌های آخر نماز را سبک انجام دادی؟ حضرت فرمود: «أَمَا سَمِعْتُمْ صُرَاخَ الصَّبِيِّ»^۵، آلی صدای گریه‌ی طفل به گوش‌تان نرسید. در بعضی احادیث آن حضرت حکمت این عمل را هم بیان کرده‌اند: «خَشِيتُ أَنْ يَشْتَغَلَ بِهِ خَاطِرُ أَبِيهِ»^۶، ترسیدم از این‌که ذهن پدر طفل متوجه فرزندش شود علی پدرش نگران شود.

^۱ - توضیح المسایل، مسئله‌ی ۹۹۲.

^۲ - رساله‌ی أجوبة الاستفتاءات، ص ۹۶.

^۳ - توضیح المسایل.

^۴ - الفقیه، ج ۱، ص ۳۹۰.

^۵ - کافی، ج ۶، ص ۴۸.

^۶ - بحار، ج ۸۵، ص ۹۳.

امام صادق (علیه السلام) در ضمن حدیثی فرموده‌اند: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَسْمَعُ صَوْتَ الصَّيِّ وَهُوَ يَكِي وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ فَخَفَّفَ الصَّلَاةَ أَنْ تَعْبُرَ أُمُّهُ»^۱، رسول خدا (صلى الله عليه وآله) صدای طفلی را شری که گری می‌کند، وی نمازش را سبک انجام داد تا مادرش به سراغش رود.

با استفاده از این روایت، علما و فقها فرموده‌اند بر امام جماعت مستحب است در ادای نماز رعایت حال نمازگزاران را بکند. البته، در مورد سبک انجام دادن نماز آنچه بای مورد دقت قرار گیرد دو مطلب است: نخست اینکه به کیفیت عبادت لطمه وارد نشود و دیگر اینکه مظنه‌ی سبک شمردن نماز به وجود نیاید.

فصل دوم

آثار و برکات حضور زنان در مسجد

در روایت، رفتن به مسجد سفارش شده است. ثواب نماز در مسجد چند برابر ثواب نماز در خانه است. اما در روایت آمده است که نماز زن در خانه بهتر از مسجد است؛ البته در موقعیتی که زن نتواند خودش را کاملاً از دین نامحرم حفظ کند و شرایط حضور در مسجد را رعایت کند. دلیل این منع قرار گرفتن زنان در معرض دین نامحرم است. بنابراین، اگر زنان شرایط حضور در مسجد را کاملاً رعایت کنند، نمازشان در مسجد بهتر از خانه خواهد بود. چنانچه حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) در ضمن فتاواش می‌گوید: «برای زن‌ها نماز خواندن در خانه، بلکه در صندوق خانه و اطاق عقب بهتر است؛ ولی اگر بتواند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند»^۲.

حضور در مسجد آثار و برکات بسیاری دارد و بندگان شایسته‌ای که توفیق حضور در مسجد را می‌یابند، از این برکات و آثار بهره‌مند می‌شوند. از این نظر، فرقی بین زن و مرد وجود ندارد؛ همان‌گونه که خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ»^۳، این چنین خطاب به انسانیت است که سرانجام انسان به لقاء الله می‌رسد.^۴

^۱ - وسایل، ج ۸، ص ۴۲۱.

^۲ - توضیح المسایل، مسأله‌ی ۸۹۴.

^۳ - سوره‌ی انشقاق، آیه‌ی ۶

^۴ - مسجدیه، روایت مطبوعات، ج ۴، ص ۷۰.

۱- آثار عبادی

قرآن کریم یکی از اهداف اصلی و اساسی برپایی مساجد را عبادت و پرستش خداوند دانسته و فرموده‌اند: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»^۱، مساجد محل عبادت خدای تعالی است با خداوند کس دیگری را نخواند. همچنین: «رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ»^۲، و توجهتان را در هر مسجد بهسوی او نمایع و او را بخواند و دین خود را برای او خالص گردانید (و بدانید) همان‌گونه‌که در آغاز شما را آفرید [بار دیگر در رستاخیز] باز می‌گردید.

در روایات اسلامی این معنا دامنهی گسترده‌تری دارد و معصوم (علیه السلام) جنبه‌های عبادی مسجد را با تعینات زبی و پرمعنا وصف کرده‌اند. در این مکتب، از پلیمبر اسلام (صلی الله علیه وآله) نقل شده است که فرموده‌اند: «كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَعَوْ إِلَّا ثَلَاثَةً قِرَاءَةٌ مُصَلٍّ أَوْ ذِكْرُ اللَّهِ أَوْ سَائِلٌ عَنْ عِلْمٍ»^۳، هر نشستری در مسجد نهوده است مگر سه نشستن: برای خواندن نماز، ذکر خدا و سؤال نمودن از علم. به گفته‌ی روایات، عبادت در مسجد با عبادت در غی مسجد، از نظر آثار و برکات، برابری نمی‌کند. به گفته‌ی روایات، ثواب نماز خواندن در مسجد حتی فرادا بیش از نمازی است که در مسجد خوانده می‌شود.^۴ البته، عبادت دسته جمعی آثار و برکاتی دارد که عبادت فردی به پای آن نمی‌رسد. در این باره، فرقی بین زن و مرد نیست و زنان نیز با حفظ شرایط از این برکات بهره می‌برند.

۲- آثار علمی

کارایی مسجد در فرهنگ اسلام فقط در جنبه‌ی عبادی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه یکی از مهمتین کارکردهای مسجد نقش‌آفرینی آن در زمینه‌ی آموزش‌های علمی و فراگیری علم و معرفت است. وقتی زنان در مسجد گردهم می‌آیند، بهتری زمانی است که می‌توانند از مسائلی دینی و قرآن بهره‌مند شوند. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در سخنی به ابوذر فرمود: مسجد محل پاسخ و پرسش

^۱ - سوره‌ی جن، آیه‌ی ۱۸

^۲ - سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۲۹

^۳ - بحار، ج ۷۴، ص ۸۶ و وسایل، ج ۴، ص ۱۱۸.

^۴ - فرهنگ مسجد، ص ۳۰۴، به نقل از بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۷۱.

درخصوص مسائل علمی است و فقط در این صورت است که می‌توان در آن نشست. همچنین آن حضرت فرموده‌اند: «هرکس به مسجد من نیاید و هدفی جز فراگیری دانش علی‌آموختن به دیگران نداشته باشد؛ بسان مجاهدی است که در رای خدا جهاد می‌کند».^۱

به گواه تاریخ، «مسجدنبوی» مهم‌ترین مرکز آموزش قرآن و فقه اسلامی در صدر اسلام بوده است. جلسات متعدد و حتی شبانگاهی در این مسجد تشکیل می‌شد.^۲ در دوره‌های پس از صدر اسلام نیز این روند ادامه داشت؛ به‌گونه‌ای که مکاتب فقهی و کلامی از مسجد نبویون آمدند و ائمه‌ی مذاهب مراحل بالندگی خود را در مساجد سپری کردند.^۳ بنابراین، برای رفتن به مسجد باید ارزش قائل شد و دامنه‌ی فواید آن را گسترده‌تر از آنچه به ذهن می‌آید دانست. امروزه که درهای مساجد روی همه گشوده شده است، در آن‌ها سخنرانی‌های گوناگون صورت می‌پذیرد و علوم اسلامی تبلیغ می‌شود، زنان هم می‌توانند با حضور خود در آن‌ها بهره‌های فراوانی ببرند و هم پاداش تحصیلی علم را ببرند و هم ثواب حضور در مسجد را. اهمیت رفتن به مسجد برای فراگیری علم و دانش به اندازه‌ای است که بعضی از فقها رفتن زنان را به مسجد، جهت فراگیری مسائل اسلامی، واجب دانسته‌اند و گفته‌اند: «اگر راهی برای یادگیری فتن مسائل اسلامی جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد، واجب است زنان به مسجد بروند».^۴

۳- آثار سرطری و اجتماعی

حضور زنان در مسجد مشتی است بدهن طوه‌گوئل و منحرفاری که اسلام را به تحقیر و زنداری کردن زنان متهم می‌کنند؛ لذا حضور زنان در مسجد نشان می‌دهد اسلام مخالف آزادی زن نیست. در صدر اسلام زن در کارهای اجتماعی و سرطری شرکت داشته و حضور در مسجد شرکت زنان را در برنامه‌های سرطری - اجتماعی ثابت می‌کند؛ مانند سوده دختر عمار ابن اسک همداری.^۵

^۱ - مسجد به روایت مطبوعات، ج ۸، ص ۱۵.

^۲ - همان.

^۳ - اقتباس از فروغ مسجد، ج ۲، ص ۱۹۹.

^۴ - رساله‌ی توضیح‌السائل، مکارم شیرازی، مسئله‌ی ۸۱۷.

^۵ - زن در آینده‌ی جمال و جلال، ص ۲۹۵.

به گفته‌ی قرآن سه زن حضرت موسی (علیه السلام) را از کشته شدن حفظ کردند و پرورش دادند: مادر موسی، خواهر موسی و زن فرعون. این سه زن با وضعیت سرطری آن روزگار مبارزه کردند تا موسی پرورش یافت. بی تردید اکنون مسجد یکی از مراکز سرطری مهم در جامعه‌ی اسلامی است. حضور زنان در مساجد می‌تواند یکی از جلوه‌های سرطری این قشر عظیم در جامعه باشد. رونق گرفتن مساجد، که ریمی از آن به دست زنان صورت می‌گیرد، چینی نیست که بتوان به آساری در مورد آن سخن گفت؛ زیرا بازتانی که این امر در مطن مجامع جهانی و برون مرزی دارد بسط فراتر است.

به این دلایل، همان گونه که اسلام به زنان دستور عفاف و حجاب می‌دهد، دستور شرکت در مجامع عمومی را رین می‌دهد. حضور زنان در مساجد طنگر حضور فعال آنان در جامعه‌ی اسلامی و مجامع دئی و مذهبی است. زنان با حضور در مساجد وحدت و همبستگی در سطح اجتماع را به ارمغان می‌آورند. همان گونه که در صدر اسلام و بعد از آن مسجد کانون طرح مسائل سرطری و پایگاه مقاومت و جنبش‌های اسلامی بوده است، امروزه رین این نقش را از دست نداده است. اگر در برهه‌ای نقش آفرئی مسجد در بعد سرطری به سستی گراییده بود، همگام با انقلاب اسلامی در ایران این نقش آفرئی دوباره احلی گردئی. بنابراین، اگر زنان در مساجد حضور رکنند، از مسائل مهم سرطری کشور و جهان اسلام آگاه می‌شوند و مسئولیت‌هایشان در این زمینه انجام نمی‌شود.

۴- آثار معنوی

مسجد جایی است که خداوند عنایت بیشتری دارد و مسلماً دست بندگان آسان‌تر به آستانش خواهد رسید. از این رو، رفتن به خانه‌ای که می‌بان آفرینگار همه‌ی گئی است بسیار اهمیت دارد و شخص هیچ‌گاه در آن بی‌نصب نخواهد ماند؛ به خصوص اگر با ط خدا و امی به خشنودی او در آنجا بنشیند. پس این لذت به گروه‌ی خاص اختصاص ندارد و به شرایطی خاص محدود نشده است. همان گونه که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: «مَنْ كَانَ الْقُرْآنُ حَدِيثَهُ وَالْمَسْجِدُ بَيْتَهُ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»^۱، کسی که کلام و ذکرش قرائت قرآن باشد و مسجد خانه‌اش، خداوند متعال خانه‌ای در بهشت برایش مهلی سازد.

^۱ - تهذیب، ج ۳، ص ۲۵۵.

آن کسی که در مسجد با خدا راز و نیاز می‌کند و شریعی‌ترین گفتارش را کلام او می‌داند، لابد اجرای دارد و سزاوار بزرگداشت است که خداوند در بهشت برای این خانه‌ای در نظر می‌گیرد و این بهترین پاداشی است که بنده می‌تواند توقع داشته باشد. اصولاً کسی که اراده‌ی مسجد می‌کند در او نورانی پدید می‌آید که ما با دیگران عادی قادر به درک آن نیستیم. قدر و منزلت اهل مسجد به حدی است که خداوند قدم‌هایی را که به سوی مسجد برداشته می‌شود مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: «... آنچه را از پیش فرستاده‌اند و تمام آثار آن را می‌نویسیم».^۱ در ادامه‌ی این آیه گفته شده است مراد از آثار همان گام‌های مؤمنان است و شأن نزول آیه این است: قطعه‌ی «بری سلمه» در نقطه‌ی دوردستی از شهر مدینه ساکن بودند. روزی از دوری خانه‌های خویش به مسجد و مشقت حضور در آنجا و نماز جماعت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به آن حضرت شکایت کردند و تصمیم گرفتند به نزدیکی مسجد پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نقل مکان کنند. سپس، این آیه نازل شد و پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به آن‌ها فرمود: آثار و گام‌های شما به سوی مسجد در نامه‌ی اعمالتان نوشته می‌شود و پاداش می‌گیرید. هنگامی که «بری سلمه» این سخن را شنیدند از تصمیم خود صرف نظر کردند و در جای خود ماندند. این سخنان به جنسیت محدود نمی‌شود و زنان نیز می‌توانند به این کمال دست یابند و به مقامات الهی نزدیک شوند. حضور باوآن در مسجد مقدمه‌ای است برای رسیدن به مقامات عالی معنوی و خداوند چهره مقاماتی را ویژه‌ی دوستداران مسجد و اهل مسجد قرار داده است.

۵- آثار فرهنگی

بپای آنکه بگویند ملی فرهنگی است، به شناخت، دانش و پیچیده‌ی فرهنگی آن رجوع می‌کنند. در فرهنگ مسلمانان این همواره چهره بوده است که آغاز فعالیت تألیفی‌گذارترین اندیشه‌های اسلامی و دانشمندان مسجد بوده است. از آن روز که پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بچک‌هایی به کشورهای همسایه فرستاد و آن‌ها را مأمور آموزش قرآن و احکام کرد، مسلج در آن کشورها رونق یافتند و نخستین پایگاه دانش و دینت شدند. هرکس خواستار دانش بود، بای اهل مسجد و دوستدار

^۱ - تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۶۹-۷۰.

خانه‌ی خدا می‌شد تا بتواند از انوار آن مکان مقدس بهره‌مند گردد. در آن محل هم جهان بی‌هی اسلام‌ی تدریس می‌شد، هم رزم تن به تن، درس دین و دلت، رسم سطلست، آموزش بندگی و خدا باوری. در حقیقت، فرهنگ اسلام فرهنگ برخاسته و جوشیده از مسجد است. این مسجد بود که در روزگار کهن فرهنگ دلسوز جامعه‌ی بشریت را در آغوش گرم خویش پروراند و به رشد و بالندگی رساند. شخصیت‌های برازنده‌ی اسلام از همین مساجد برای تبلیغ اسلام فرستاده شدند و در هر نقطه‌ای که مستقر شدند مسجد را مرکز نشر فرهنگ اسلام‌ی قرار دادند.

برای زنان که نمی‌توانند مانند مردان در هر اجتماعی شرکت کنند، مسجد بهترین مکان برای کسب دانش اجتماعی، سطلری، عبادی و اخلاقی است. بنابراین، آنچه از روایت به دست می‌آید و شراطی که اسلام برای زنان در نظر گرفته است، باعث رونق یافتن مساجد و رشد و بالندگی زنان می‌شود. هیچ‌کس تاکنون زنان را از رفتن به این مکان‌ها باز نداشته است و برای تأیید گفتارمان به سخنانی از حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) رجوع می‌کنیم. ایشان در وصیت‌نامه‌ی الهی - سطلری‌شان آورده‌اند: «ما مفتخریم که بانوان و زنان بی و جوان، خرد و کلان در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر و همدوش مردان بی بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند».

۶- آثار اخلاقی و تربیتی

از آن‌جاکه زنان معمولاً بیشتر وقت خود را صرف کارهای خانه و تربیت فرزندان می‌کنند و گاهی این مشکلات زندگی آن‌ها را در تنگنا قرار می‌دهد، وظیفه دارند به گوشه‌ای بروند و با خود خلوت کنند و آرامش یابند. در این راستا، تجربه نشان داده است که اگر شخصی به بزرگ‌تر از خود پناه ببرد و با او درددل کند، مؤثرتر است و مؤمنان هم یگانه کسی را که برای درددل می‌شناسند، خدای متعال است. مکانی هم که مناسب‌تر و نزدیک‌تر به خدا است مسجد می‌باشد. زنان برای پرورش فرزندان بیشتر از مردان به راز و مظل احتیاج دارند؛ زیرا فرزندان به کانوری مظل دارند که آرام، امین و پاک باشد که این مورد هم در گرو داشتن ایماری محکم میسر است. پس چه خوب است کسی که قصد مسجد می‌کند به

این امی دل از همه چی بکند و فقط به خشنودی حضرتش توجه کند که آنجا خداوند به بنده‌اش نزدیکی تر است و آسان‌تر به درددل‌هایش توجه می‌کند.

۷- آثار روایی

خداوند به مساجد عنایت بیشتری دارد؛ چون محل پرستش و خانه‌ی اوست. حضور در مسجد انسان را به یاد خدا می‌اندازد. وقتی بانوان وارد مسجد می‌شوند احساس آرامش می‌کنند؛ زیرا از این جهت فرقی بین زن و مرد نیست: «المؤمن فی المسجد کالسّمک فی الماء»^۱، مؤمن در مسجد مثل ماهی در آب است. عبری همان‌گونه که آب مایه‌ی آرامش، رشد و ادامه‌ی حیات ماهی است، مسجد برای انسان‌های خداجو مایه‌ی آرامش، حیات معنوی و کسب کمالات نفسانی است. کسی که در طول روز مشغول کسب و کار است، در مشغولیت‌های مادی و گرفتاری‌های دنیایی غرق می‌شود و بخش آمده‌های نگران‌کننده آرامش روحی و روایی را از انسان سلب می‌کند. بار مسئولیت خانواده، آینده‌ی فرزندان و احساس ناتوانی در تربیت آن‌ها برای انسان دله‌ره‌آور است. در این حال، بنده با نماز به یاد خداوند می‌افتد، خود را در محضر قادر متعال توانا می‌بخشد و حل هر مشکلی را در برابر قدرت و عظمت او ناچین می‌بخشد. سپس، لب به ذکر و تسبیح می‌گشاید، از خداوند طوری می‌طلبد و به آرامش و اطمینان قلبی می‌رسد. «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۲، آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

برخی روایات رسیده به آرامش فکری، روحی و روایی را در رفتن به مسجد می‌دانند و به همین جهت رفتن به مسجد را هنگام وقوع حادثه و اندوه سفارش می‌کنند. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «إِنَّ الزَّلَازِلَ وَالْكَسُوفَيْنِ وَالرِّيَّاحَ الْهَائِلَةَ مِنْ عِلَامَاتِ السَّاعَةِ فَإِذَا رَأَيْتُمْ شَيْئاً مِنْ ذَلِكَ فَتَذَكَّرُوا قِيَامَ الْقِيَامَةِ وَأَفْرِعُوا إِلَى مَسَاجِدِكُمْ»^۳، زلزله، آفتاب‌گرفتگی، مهتاب‌گرفتگی و بادهای وحشت‌زا از نشانه‌های قیامت است. زمانی که چرخ چینی را مشاهده کردی از [حادثه‌ی قیامت] یاد کن [و برای آرامش روحی، روایی] به مساجد پناه ببری.

^۱ - کشف الخفاء، ج ۲، ص ۲۹۵، العجلونی.

^۲ - سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲۸

^۳ - فرهنگ مسجد، ص ۳۳ به نقل از الامالی شیخ صدوق، ص ۴۶۵ و وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۸۷.

در این مطن، زنان بیشتر به آرامش و اطمینان قلبی نیاز دارند؛ زیرا مسئولیت سنگین تربیت فرزندان بیشتر بر دوش زن است و اوست که باید کانون خانواده را گرم نگه دارد، آرامش را در خانه برقرار سازد، خانه را کانون صفا و صمیمیت و معنویت کند و بنابراین به جاست که با حضور در مسجد رهی و بگید.

جمع بندی:

حضور زنان در مسجد، احطای شعائر الهی است.

از آنجاکه مسجد یکی از شعائر دین مقدس اسلام است، در روالیت به رفت و آمد به آن بسیار تأکیدی شده است. مسجد از بهتری مصادیق شعائر الهی است. ارج نهادن به این شعائر، به فرموده ی قرآن، نشان دهنده ی پرهیزگروی است: «ذَلِكَ وَ مَنْ يُعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»^۱، این است [فرايض خدا] و هر کس شعائر خدا را بزرگ دارد در حقیقت آن [حاکمی] از پاکي دل هاست. برای اساس، حضور زنان در مساجد برای انجام فرائض دینی مصداق تعظیم و بزرگداشت شعائر الهی است و شرکت آنان در مسجد به معنای سهم بودن آنان در عمران و آبادانی مسجد و احطای شعائر دینی است.

فهرست منابع

۱. قرآن.
۲. نهج البلاغه.
۳. طرحی، شیخ فخرالدین، مجمع البحرین، مکتب نشر ثقافه الاسلامی، چ ۲، ۱۴۰۸ ق.
۴. علامه ابن منظور، جمال الدین، لسان العرب، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق.
۵. الفراهیدی، عبدالرحمن، کتاب العین، مؤسسه دارالهجره، چ ۲، ۱۴۰۹ ق.
۶. مطهری، مرتضی، مسئله ی حجاب، صدرا، چ ۳۷، ۱۳۷۲ ش.
۷. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه ی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۸. ابن حزم اندلسی، علی ابن احمد، المحلی، بیوت، دارالفکر.

^۱ - سوره ی حج، آیه ی ۳۲.

۹. ابوالفتح کراجکی، محمد بن علی، معدن الجواهر، تهران، کتابخانه ی مرتضوی، چ ۲، ۱۳۹۴ ق.
۱۰. العجلوری الجراحی، اسماعیل ابن محمد، کشف الخفا، لبنان، دارالکتب العلمی، بیروت.
۱۱. النووی، محی الدّی بن شرف، المجموع، دارالفکر.
۱۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، قم، قدس محمدی.
۱۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ ق.
۱۴. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ ق.
۱۵. جمعی از نویسندگان، فرهنگ مسجد، قم، مؤسسه ی فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۵ ش.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه ی جمال و جلال، تهران، رجاء، چ ۴، ۱۳۷۴ ش.
۱۷. حسینی، روح الله، حریم عفاف، تهران، سازمان تبلیغات، ۱۳۷۲ ش.
۱۸. دستغیب، سید عبدالحسین، گناهان کبیره، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه ی مدرسین، چ ۶.
۱۹. راوندی، قطب الدّی، فقه القرآن، قم، کتابخانه ی مرعشی نجفی، چ ۲، ۱۴۰۵ ق.
۲۰. رهبری، حسن، مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۲، ۱۳۸۲ ش.
۲۱. سجستانی، سلیمان ابن اشعث، سنن ابی داود، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ ق.
۲۲. شریح الاسلامی، سید حسینی، ترجمه ی غررالحکم، قم، انصارالین، چ ۵، ۱۳۷۹ ش.
۲۳. شریح بهایی، محمد بن حسینی، مفتاح الفلاح، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۵ ق.
۲۴. شریح حرعاملی، محمد بن حسن، وسایل الشریعه، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ ق.
۲۵. شریح صدوق، محمد، الخصال، قم، جامعه ی مدرسین، چ ۲، ۱۴۰۳ ق.
۲۶. شریح صدوق، محمد، ثواب الاعمال، قم، شریف رضی، چ ۲، ۱۳۶۴ ش.
۲۷. شریح صدوق، محمد بن علی بن حسینی بابوی قمی، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه ی مدرسین، چ ۳، ۱۴۱۳ ق.
۲۸. شریح طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، التّهذیب، تهران، دارالکتب الاسلامی، چ ۴، ۱۳۶۵ ش.
۲۹. صادقی زفره، حسن، معاشرت زنان مردان از دیدگاه اسلام، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۲ ش.
۳۰. طباطبایی یندی، سید محمد کاظم، عروۃ الوثقی، قم، جامعه ی مدرسین، ۱۴۲۰ ق.
۳۱. طبرسی، امین الدّی، مجمع الطّین، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ ق.

۳۲. علامه طباطبائی، سید محمد حسینی، تفسیر المیزان، تهران، دارالکتب الاسلامی، ج ۳، ۱۳۹۷ ق.
۳۳. علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، لبنان، مؤسسه الوفا، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
۳۴. قزوینی، محمد بن یحیی، سنن ابن ماجه، بیروت، دارالفکر.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامی، ج ۴، ۱۳۶۵ ش.
۳۶. محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسایل، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸ ق.
۳۷. محسری گرگانی، احمد، حجاب در اسلام، حکمت، ۱۳۹۲ ق.
۳۸. محمدی اشتیاردی، حجاب بطنگو شخصیت زن، ناصر، ۱۳۷۵ ش.
۳۹. مشایخی، قدرت الله، حقوق از دیدگاه امام سجاد (علیه السلام)، قم، انصارطن، ۱۳۷۹ ش.
۴۰. مکارم شریازی، ناصر، ترجمه و شرح فشردهی نهج البلاغه، قم، مطبوعات هدف، ج ۸، ۱۳۶۹ ش.
۴۱. مکارم شریازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامی، ج ۱۵، ۱۳۷۵ ش.
۴۲. مکارم شریازی، ناصر، رساله‌ی توضیح المسائل.
۴۳. نوبهار، رحیم، سرهای مسجد، اعتماد، ۱۳۷۲ ش.
۴۴. رشتابوری، مسلم ابن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر.

منبع: دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد